

بناام خدا

بازیهای محلی آذربایجان

پرویز زارع شاهمرسی

سرسناسه	: زارع شاهموسی، پرویز. - ۱۳۵۰
عنوان و پدیدآور	: بازیهای محلی آذربایجان / نوشته پرویز زارع شاهموسی
مشخصات نشر	: تبریز: اختر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص، مصور، نقشه.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۱۶۰-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
موضوع	: بازیها - ایران -- آذربایجان
رده بندی کنگره	: ۲ ب ۲ / ۷۸ / ۱۲۰۴ GV
رده بندی دیویی	: ۷۹۶ / ۰۹۵۵۵۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۱۴۹۴۳

نشر اختر

بازیهای محلی آذربایجان

پرویز زارع شاهموسی

چاپ اول ۱۳۸۷ / تیراژ: ۱۰۰۰ جلد / ۱۲۰ صفحه / قطع رقی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۱۶۰-۰

مرکز فروش: تبریز- اول خیابان آیت الله طالقانی، نشر اختر

تلفن: ۰۹۱۴۱۱۶۶۸۹۷ و یا ۰۵۵۵۳۹۳-۰۴۱۱

قیمت: ۲۰۰۰ تومان.

فهرست مطالب

پیشگفتار	
۱۷	آپاررام وئرمه رم
۱۷	آت آت اویناماق
۱۸	آت اویناتماق
۱۸	آتدی آغاج
۱۸	آتدی توتدو
۱۸	آتدیرما
۱۹	آتلانباخ
۱۹	آتلی آغاج
۱۹	آتیج
۲۰	آتیمین باشی قیزیل
۲۰	آچیل آچیل
۲۱	آد قویما
۲۲	آد شهرت
۲۲	آرادا ووردو
۲۳	آرادان چیخان
۲۳	آرادان خیرمامکو
۲۴	آرتیرما
۲۴	آسلان پیسلان
۲۴	آشیرما
۲۴	آشیق آشیق

۴ / بازیهای محلی آذربایجان

۲۵	آشیق قوز
۲۵	آغاج آتما
۲۵	آغاج دو گدو
۲۶	آل آغاجی
۲۶	آلچی تاوا
۲۶	آنام منه کوردئیب
۲۶	آنا منی قوردا وئرمه
۲۷	آی قاراقوش
۲۸	آی ننه قوردی قوردی
۲۸	آیاق جیزیغی
۲۸	آیاق جیزیق
۲۸	آبی اویونو
۲۹	ائششکک بئلی سیندیرما
۲۹	ائششکک باشی دو گمه
۲۹	ائششگی سوواردین
۳۰	ائشمه
۳۰	ابه دن کیر
۳۰	اتگه داش قویدو
۳۱	اجی
۳۱	ادی باجی
۳۱	ارمنی جیزیغی
۳۲	اززلی مززلی
۳۲	ال اله
۳۲	ال اله دو گمه جه له
۳۳	الیم یاندی
۳۳	اوچ دوز

بازیهای محلی آذربایجان / ۵

۳۴	اوچدوم قوندوم
۳۴	اوچدو اوچدو
۳۴	اوخ آتدی
۳۵	اوستا شاگرد
۳۵	اوستا عایاس
۳۵	اوستام باز
۳۵	اوروس آتدیرماسی
۳۶	اوزوک اوزوک
۳۶	اوزوک گیزلتدی
۳۶	اوزومدن سو چیخارتماق
۳۶	اولاتدی
۳۶	اون ایکی دوز
۳۷	اویدوم اویدوم
۳۷	ایپ آتدی
۳۷	ایپ کئچدی
۳۸	ایت قوسلو
۳۹	ایگنه ایگنه
۴۰	ایلدیریم آغاج
۴۱	اینجه له قیز
۴۲	بئش داش
۴۴	بابا وئر قیلینجی
۴۴	باشماق قویدو
۴۴	بالا بلندی
۴۵	بالاجیزیق
۴۵	بالیق منده
۴۵	بلیخ

۶ / بازیهای محلی آذربایجان

۴۶	بنوشه
۴۷	بوجاق توتدو
۴۷	بوزتپدی
۴۸	به به مه گیزیر
۴۸	پول چوندرمه
۴۸	پول پول
۴۸	پولایاخین
۴۹	پیت اویونو
۴۹	پیشتی پیشتی
۵۰	پیشدییلی
۵۰	پیشیدی
۵۰	پیشیک قاجدی
۵۱	پیشیک کئچدی
۵۱	پیشیک یولو
۵۲	پیل آغاجی
۵۲	پیل دسته
۵۵	تاس ملیک
۵۶	تپیک تپیک
۵۶	تپیک دو گوش
۵۶	تکسن جوت
۵۶	تکر سورمک
۵۶	تکمه جوت
۵۷	توپ توتدو
۵۷	توپ چرخچی
۵۷	توپ عربی
۵۹	توپ گئتمک

بازیهای محلی آذربایجان / ۷

۶۰	توپادان توپایا
۶۰	توخوم چیخارتماق
۶۰	تورب اویونو
۶۱	تورنا دوگدو
۶۱	تورنا ووردو
۶۲	تولا دوگدو
۶۲	تووخان
۶۲	تولاما
۶۳	تویوق قیزارتما
۶۴	جوجه گوزو
۶۴	جوجولو پئندیر گوگ
۶۴	جوز آغاجی
۶۵	جوزمره
۶۵	جولا توتما
۶۵	جیزدانا جیزدان
۶۶	جیزلیق
۶۶	جیزیق
۶۶	جیزیق آتماق
۶۷	چئچیلر
۶۷	چوله چیخما
۶۷	چیلیک دسته
۶۸	چیلینگ آغاج
۶۸	حامام پوش
۶۸	حامام حمام
۶۹	خان توپی
۶۹	خوروز خوروز

۸ / بازیهای محلی آذربایجان

۷۰	خسته کین
۷۰	داراق گیزلتدی
۷۱	داری سیمه
۷۱	داش قاچان
۷۲	دالا میندی
۷۲	دانقالا پشتوو
۷۳	ددم منه کور دئییب
۷۳	دستمال آپارماق
۷۳	دگیرمانچی بابا
۷۴	دگیرمان دگیرمان
۷۴	دور آیاغا دور
۷۵	دوگمه اویونو
۷۵	دونقا دونقا
۷۵	دووارا ووردو
۷۶	دوورادا ووردو
۷۶	دوه قوماق
۷۶	رنگه کسمک
۷۶	زولاق آتماق
۷۷	زویدورمه
۷۷	زویولداق
۷۸	سانجیلما آغاج
۷۸	سوت ساغدی
۷۹	سوزدورمه آغاج
۷۹	سومسو چیخارتماق
۷۹	سیلیم سوپوروم
۷۹	شئرمی خط

بازیهای محلی آذربایجان / ۹

۸۰	شار
۸۰	شاققی شاققی
۸۰	شاه وزیر
۸۱	شکرپنیر
۸۲	شویی
۸۲	شیب یزد
۸۳	شیش قوم
۸۳	شیطان زولاغی
۸۳	علی حیدر
۸۴	قئیقالا
۸۴	قاتار قویماق
۸۴	قاچان قاچان
۸۵	قاچیشماق
۸۵	قاریش آتماق
۸۵	قالا قالا
۸۶	قایتارما
۸۶	قاییش قویما
۸۶	قاییش گوتدو
۸۷	قاییشین ایچ اوزو
۸۷	قجه مه داش
۸۷	قله شک
۸۸	قورت قویون
۸۸	قوش دئمک
۸۸	قوش منده
۸۹	قول توتما
۸۹	قوناق باجی

۱۰ / بازیهای محلی آذربایجان

۸۹	قونا قويدو
۹۰	قوندوم قوندوم
۹۰	قووالا قاچدی
۹۱	قیدیلانما
۹۱	قییش بازی
۹۱	قییش قییش
۹۲	کباب کباب
۹۲	کلک توپ
۹۲	کور
۹۳	کورد گلدی
۹۳	کوس آغاج
۹۴	کوشکی بازی
۹۴	کوف اوچماق
۹۴	کوفله کوفله
۹۵	کوله قویپا
۹۵	گنتدی گله ها گنتدی گله
۹۶	گوتور بور کووو ویر منی
۹۷	گوزده قالان
۹۷	گوزو باغلیجی
۹۸	گوگ آتدی
۹۸	گول گول
۹۹	گیردکان
۹۹	گیزلن پانج
۱۰۰	لاپاق
۱۰۱	لوپوک قاج
۱۰۱	لوس

بازیهای محلی آذربایجان / ۱۱

۱۰۱	لی لی حوضک
۱۰۲	ماتیلوس
۱۰۲	ماچالیشقا
۱۰۳	مازالاق آتماق
۱۰۳	مازی
۱۰۳	ماژر
۱۰۴	ماللا میندی
۱۰۴	مبه ده قالدی
۱۰۴	مثقالا کسمک
۱۰۵	مره کوچدوم
۱۰۵	میندی میندی
۱۰۵	نارداناسی
۱۰۵	ناقیشلی
۱۰۵	نایناقیقیجی
۱۰۶	نومرت
۱۰۶	وردنه آغاج
۱۰۶	هاباخدی باخدی باخدی
۱۰۷	هاچا مینمک
۱۰۷	هاقیشقا
۱۰۸	هفت سنگ
۱۰۸	هفدیر آغاجی
۱۰۸	هول ایشلمک
۱۰۸	هول اویناماق
۱۰۹	هینقلیج
۱۱۰	یاتار قالخار
۱۱۰	یالتان قالتان

۱۲ / بازیهای محلی آذربایجان

۱۱۰	یئر پیشیتیچی
۱۱۰	یئردن اوجا
۱۱۱	یئرده قالان قورد
۱۱۱	یوزپلنگ
۱۱۲	یولداش آپاردی
۱۱۳	یولداش گون هاردان چیخدی
۱۱۳	یولداشیم باغ یئمیشی
۱۱۴	یومورتا دو گوشدورمک
۱۱۴	یوموروق
۱۱۴	یواریق
۱۱۵	واژه نامه
۱۲۰	فهرست منابع

پیشگفتار

بازیها بخشی مهم از فرهنگ یک ملت هستند. بازی هم وسیله ای است که اوقات فراغت افراد را پر می کند و هم نشانه هایی مهم از اندیشه، آرزو و جهان بینی آنها را بیان می کند. وقتی افراد بخواهند بازی کنند به نسبت تعداد، فضا و ابزار موجود در یک مکان، می توانند یک بازی خلق کنند و آن را گسترش دهند و قوانینی برای آن ابداع نمایند. بازیهای محلی بدین ترتیب بوجود آمده و نسل به نسل ادامه یافته اند.

بازیهای محلی از دیدگاه مردمشناسی و جامعه شناسی و همچنین دیدگاه میراث فرهنگی اهمیتی بسزا دارند. حتی تشابه بسیاری از بازیها با بازیهای اقوام همسایه می تواند نشانگر ارتباطات پیوسته و دیرپای مردمی باشد. چگونه این بازیها بوجود آمدند؟ بی تردید نیاز آنان به تحرک و هیجان در این میان نقش مهمی را ایفا می کند. انسانها در طول تاریخ این بازیها را آفریده و گسترش داده اند.

آذربایجان نیز مانند دیگر جاهای دنیا صاحب گنجینه ای از بازیهای محلی است. این بازیها توانسته اند تا زمان ما هیجان، تحرک و نشاط را در وجود اجراکنندگانشان بیافرینند. در زمان کنونی با پیشرفت علوم و تکنولوژی، فضاهای زندگی نیز کوچکتر شده است. شهرها به سرعت

۱۴ / بازیهای محلی آذربایجان

بزرگتر شده و فضاهای خالی را بلعیده‌اند. این فضاها مکانی مناسب برای برگزاری بازیهای مختلف و پرتحرک بودند.

گسترش زندگی آپارتمانی و همچنین سعی خانواده‌ها برای در جریان قرار دادن کودکان خود در مسیر علوم جدید، موجب افزایش بی‌تحرکی در کودکان شده است. تبدیل تلویزیون و رایانه به وسایلی برای پرکردن اوقات فراغت، امکان تحرک بدنی را گرفته و می‌رود تا نسلی ضعیف و نحیف اما با ذهنی مملو از تصاویر ماهواره‌ای و رایانه‌ای بوجود آورد.

بازیهای محلی بویژه در شهرها در حال فراموش شدن هستند. حجم وسیع بازیهای رایانه‌ای و سالنی مانند بیلارد و بولینگ، ذهن افراد را بکار می‌گیرد در حالی که بدن آنها تحرک چندانی ندارد. گسترش استفاده از وسایل برقی در روستاها و به تبع آن حضور تلویزیون در خانه‌های روستایی، به آرامی این مکانها را نیز به محیطی شبیه شهرها تبدیل کرده است.

بازیهای محلی بویژه در شهرهای کوچک و روستاها، محملی مناسب برای تحرک بدنی، رشد جسمانی، تخلیه هیجان و همچنین فراگیری مسائل روانی و ذهنی چون نظم، بی‌نظمی، تلاش، کوشش، پیروزی و شکست هستند. یک بازی در درون خود، جنبه‌های مختلف جسمی و روانی را گرد آورده است.

اهمیت دیگر بازیهای محلی ویژگیهای روانی و اسطوره‌ای این بازیهاست. تعیین نقشهایی چون گرگ، گوسفند، چوپان، استاد، جهنم و ... خود نشان از بار معنایی خاصی دارد. اشعاری که در بازیها خوانده می‌شود، اگرچه ساده می‌نمایند ولی خود آهنگی موزون به بازی بخشیده و موسیقی

بازیهای محلی آذربایجان / ۱۵

را نیز در ذهن کودک پرورش می دهند. در برخی بازیها این آهنگهای موزون با حرکات بدنی نیز همراه می شود.

آغاز این پژوهش حالتی بسیار تصادفی داشت ولی پس از آن حالتی جدی بخود گرفت. منابع مکتوب در این باره بسیار ناقص، پراکنده و اندک بودند. به نظر می رسد که در این باره بسیار کم کار شده است. ابتدا منابع موجود را بررسی کردم. آنان که خود به زبان ترکی مسلط نبودند، نام بسیاری از بازیها را اشتباه نوشته بودند. برخی افراد از آذربایجان نیز در این کار دستی بودند، خود از بانوان بودند و با طرز انجام بازیها آشنا نبودند و تنها با استفاده از نوشته ها و گفته های دیگران به این کار دست زده بودند.

هنگامی که در روستاهای مختلف معلم بودم، با دانش آموزانی از مناطق گوناگون ارتباط داشتم. آنان از بازیهای رایج خود گفتند و من آنها را گردآوردم. بازیهای دیگر موجود در منابع مکتوب را نیز به آنها افزودم. علاوه بر این برخی بازیها بودند که نه در گفته های دانش آموزانم بودند و نه منابع مکتوب آنها را ضبط کرده بودند ولی خود در زمان کودکی در کوچه باغهای محله مارالان تبریز آنها را انجام داده و قواعد و نام آنها را بخوبی بیاد داشتم.

البته باید توجه داشت که ذکر تمامی جزئیات بازیهای محلی بویژه آنها که مراحل زیادی دارند، ممکن نیست و تا انسان خود اجرای بازی را از نزدیک نبیند، شناخت کاملی از آنها نخواهد یافت ولی ارائه توضیحی مختصر در مورد درون مایه اصلی بازی، می تواند برای خواننده سودمند باشد.

۱۶ / بازیهای محلی آذربایجان

بدین ترتیب این کار به سامان رسید. مجموعه بازیهای ذکر شده نباید به عنوان کاملترین در نظر گرفته شود چرا که بسیاری از بازیها منسوخ شده‌اند و فقط نامی از آنها باقی است. دیگر اینکه بی‌تردید بازیهای محلی آذربایجان محدود به همین تعداد نیستند. امید آنکه خوانندگان گرامی چنانچه بازیهای دیگر یا مطلب یا نظری درباره این مجموعه دارند، بزرگوارانه آن را به نشانی shahmarasi@yahoo.com به بنده برسانند تا به خواست خداوند توانا در چاپهای بعدی اضافه گردد.

بر من است که سپاس فراوان خود را از بزرگواری همه کسانی که مرا در ترتیب این مجموعه یاری کردند، ابراز داشته و روزگاری خوش و تنی سالم برای آنان آرزو نمایم. خداوند آنان را در درستکاری پایدار بدارد.

پرویز زارع شاهمرسی

تبریز. لاله زار

بهار ۱۳۸۶

آپاررام وئرمه رم (Aparram vermerəm)

نام نوعی بازی محلی. ترتیب بازی به این صورت است که بازیکنان از میان خود یک گرگ و گوسفند انتخاب می کنند. باقی بازیکنان بره می شوند و پشت سر گوسفند صف می بندند. ننه گوسفند چوبدستی هم در دست دارد. گرگ می خواهد گوسفندان را بگیرد اما ننه گوسفند جلوی او را می گیرد. در طول بازی گوسفندها مرتباً می گویند «ننه منی قوردا وئرمه» (مادر ما را به دست گرگ نده) و ننه می گوید «آپاررام وئرمه رم» (می برم و نمی دهم). گرگ تلاش می کند و گاه موفق می شود تا بره ای را بگیرد. وقتی تعداد بره هایی که گرگ می گیرد به حد نصاب برسد، بازی تمام می شود. این بازی تقریباً همان بازی «گرگم و گله می برم» است.

آت آت اویناماق (At at oynamagh)

بازی کردن بیچه ها با اسب چوبی.

آت اویناتماق (At oynatmagh)

هنرنمایی بر اسب. تاختن اسب. نام نوعی بازی محلی در مرند که همان بازی با اسب چوبی است.

آتدی آغاج (Atdi ağac)

نامی دیگر برای بازی وردنه آغاجی. (گوش میانه)

آتدی توتدو (Atdi tutdu)

نام نوعی بازی محلی گروهی. یک نفر توپ را در دست می گیرد و همه به دور او جمع می شوند. او توپ را به آسمان پرتاب می کند و نام یکی از آنها را می گوید. آن یک نفر توپ را می گیرد. وقتی توپ به آسمان پرتاب می شود دیگران فرار می کنند. وقتی که آن شخص توپ را گرفت، فریاد ایست می دهد و همه باید در سر جای خود هرجا که باشند بایستند. سپس او با توپ یکی از آنها را می زند. اگر موفق به اینکار شد کسی که توپ به او خورده است، باید توپ را در دور بعد به آسمان پرتاب کند.

آتدیرما (Atdirma)

نام نوعی بازی گروهی محلی به این ترتیب که یکی از بازیکنان داوطلب می شود که به حالت دولا بایستد. به این بازیکن قیلدان قیسیر می گویند. در نزدیکی او کپه ای خاک می ریزند. ابتدا سردسته روی کپه خاک جفت زده و از روی قیلدان قیسیر می پرد و در آن طرف فرود می آید. پس از آنکه همه بازیکنان پریدند، قیلدان قیسیر جای خود را تغییر می دهد و به

بازیهای محلی آذربایجان / ۱۹

محلی می‌رود که سردسته در پرش خود در آنجا فرود آمده است. به همین ترتیب بازی ادامه پیدا می‌کند و در هر بار قیلدان قیسیر جایش را عوض می‌کند تا اینکه یکی از بازیکنان نتواند از روی قیلدان قیسیر بپرد. وقتی چنین شد او باید جای قیلدان قیسیر را بگیرد و قیلدان قیسیر به بازی برگردد. به خاطر داوطلب شدن، به او این امتیاز داده می‌شود که تا آخر بازی بپرد حتی اگر در بعضی از پرشهایش موفق نشود. همچنین نوعی بازی در خوی است که یک نفر خم می‌شود و دیگران به ردیف از روی او می‌پرند و اشعاری را می‌خوانند.

آتلاباخ (Atlanbax)

جفتک چهارکش. پشتک وارو. نوعی بازی کودکان که در آن عده‌ای از آنها در حالی که دست به زانو خم شده‌اند، صف می‌کشند و به ترتیب از روی هم می‌پرند.

آتلی آغاج (Atli ağac)

بازی کودکانه که سوار بر اسب چوبی می‌شوند و می‌تازند.

آتیج (Atic)

نوعی بازی کودکان با گردو و گودال.

آتیمین باشی قیزیل (Atimin başi ghizil)

(سر اسب من از طلا) نام نوعی بازی در خوی. یک نفر اسب می شود و دیگری بر پشت او سوار می شود و اشعاری را می خواند: «آتیمین باشی قیزیل، گگ ... قیزیل، آلمیشام سنکسان تومنه، وئرمه رم دوخسان تومنه.» (سر اسب من از طلا، کپل آن از طلا، خریده ام به هشتاد تومان، نمی دهم به نود تومان.)

آچیل آچیل (Açil Açil)

نام نوعی بازی دسته جمعی مانند گل یا پوچ (گوش خوی). کودکان مشت‌های خود را به پهلو بر روی هم می گذارند. اوستای بازی انگشت اشاره خود را روی مشت بالایی می گذارد و می گوید: «کلید آچیل آچیل». (کلید باز شو باز شو) آن مشت باز می شود و کنار می رود. چون به مشت آخری رسید، صاحب آن مشت در پاسخ اوستا می گوید: «آچیل میرام». (باز نمی شوم) اوستا می گوید:

- کلید هانی؟ (کو کلید؟)

- دوشوب سویا. (افتاده در آب)

- سو هانی؟ (آب کو؟)

- اینک ایچدی. (گاو خورد)

- اینک هانی؟ (گاو کو؟)

- باشینی کسدیکک یئدیکک. (سرش را بریدیم و خوردیم)

- هانی بس منیم پاییم؟ (پس کو سهم من)

بازیهای محلی آذربایجان / ۲۱

- قویموشدوق قره قازانین آلتینا پیشیک گلدی یئدی. (گذاشته بودیم زیر دیگ سیاه، گربه آمد و خورد)
اوستا و بازیکن با دست مانند اینکه ریشهایشان را بکنند، می گویند «وای ساققالیم، وای بیغلاریم، وای ساققالیم، وای بیغلاریم.» (وای ریش من، وای سییل من، وای ریش من، وای سییل من)

آد قویما (Ad ghoyma)

نام نوعی بازی محلی در یکان کهریز. این بازی بدین ترتیب انجام می شود که آن را گروهی با بیش از ۵ نفر بازی می کنند. نقشهای آن عبارتند از مادر بچه‌ها، شیطان و بچه‌ها. کسی که نقش مادر بچه‌ها را بازی می کند، آنها را ردیف می کند و روی هر کدام اسمی می گذارد. پس از آنکه اسم گذاری صورت گرفت، کسی که شیطان شد، می آید و طی گفتگویی بچه‌ها را طلب می کند و اسامی را ردیف می کند. اگر توانست اسم کسی را درست حدس بزند، آن بچه باید شیطان را بزند و فرار کند. شیطان او را دنبال می کند و اگر تا محلی که قبلاً مشخص شده بتواند کودک را بگیرد، آن کودک می‌بازد. شیطان دوباره می‌آید تا کودک دیگری را بگیرد. اگر کودک موفق به فرار شد، دوباره به طرف مادر برمی‌گردد و بازی ادامه می‌یابد.

آدشهرت (Ad şhōrət)

نام نوعی بازی. بازی اسم شهرت.

آرادا ووردو (Arada vurdu)

نوعی بازی با توپ. دو دسته با تعداد بازی می کنند. یک دسته دایره‌ای تشکیل می دهد و دسته دیگر در وسط دایره قرار می گیرند. دسته بیرونی سعی می کند با پاس دادن توپ بازیکنان وسط دایره را بزند. هرکس که توپ به او اصابت کند، از بازی خارج می شود. بازی تا مرحله خوردن همه ادامه می یابد. گاه چند نفری باقی می مانند و تشویق می شوند و جای دو گروه باهم عوض می شود.

در قاضی جهان آذرشهر این بازی به صورت دسته جمعی صورت می پذیرد به اینصورت که دو نفر به قرعه در فاصله ۲۰ متری از هم قرار می گیرند و بقیه نفرات در فاصله بین این دو درست در خط محور واصل این دو نفر قرار می گیرند که این دو نفر توپی را بین این فاصله به یکدیگر پاس می دهند و در عین حال سعی می کنند تا توپ را به یکی از نفرات میانی زده و بدین صورت از میدان خارج نمایند و در این صورت اگر یکی از افراد میانی بتواند توپ را بدون برخورد به زمین با دو دست خود بگیرد یک امتیاز و یا یک جان می گیرد که با هر گرفتن یک جان و یک امتیاز به امتیازاتش اضافه شده و با هر تماس بدنی با توپ یک امتیاز از دست خواهد داد.

در تبریز هر بازیکنی که بتواند توپ حریف را بگیرد، دو بازیکن

بازیهای محلی آذربایجان / ۲۳

محسوب می شود و باید توپ دوبار به او بخورد تا از دور بازی خارج گردد. گاه بازیکنی که توپ را گرفته است می تواند به جای یک «جان» خود، بازیکن هم تیمی اش را که اخراج گردیده به داخل زمین بیاورد. بعد از اینکه تمامی بازیکنان توپ خورده و از زمین خارج شدند، تیم بعدی وارد زمین می شوند.

زمانی که تنها یک بازیکن در وسط زمین مانده باشد، باید طرفین توپ را به صورت پاس هوایی بیندازند و اگر پنج بار آن را از زمین پاس دادند و به حریف نخورد، تمام تیم دوباره به زمین بر می گردند.

آرادان چیخان (Aradan çixan)

نام نوعی بازی کودکانه. بازیکنان در یک ردیف یا کنار دیوار می ایستند و از هر دو طرف به نفرات وسطی فشار می آورند و فریاد می زنند که هرکس از صف بیرون برود، زن من است. هر کس که در اثر فشار از صف بیرون رفت، بازنده است.

آرادان خیرمامکو (Aradan xirmaməko)

نام نوعی بازی دسته جمعی محلی. افراد در دو گروه بازی می کنند. گروه اول می دوند و افراد گروه دوم، آنها را دنبال می کنند. طوری که دو نفر یک نفر را تعقیب می نمایند. آنها دقت می کنند که آن یک نفر برگشته و از میان آنها نگذرد. اگر آن یک نفر موفق به این کار شود، در حین گذشتن از میان آنها فریاد می زند «آرادان خیرمامکو» (احتمالاً یعنی از من

۲۴ / بازیهای محلی آذربایجان

از میان شما گذشتم). بدین ترتیب او یک امتیاز کسب می کند. (گوش از بستان آباد). این بازی را در برخی جاها «آرادان خیر» نیز می گویند.

آرتیرما (Artirma)

نام یک بازی کودکانه که آن را ائششک بئلی نیز می نامند.

آسلان پیسلان (Aslan pıslan)

نامی دیگر برای بازی اله کلنگ. (گوش تبریز). دیمیلی پیسلان، دامبالا پیستان و دونبالا پیستان نیز گفته می شود.

آشیرما (Aşırma)

نام نوعی کشتی محلی که در خوی انجام می شود. کشتی گیران با نرمشی که همرا با نواختن ساز و دهل است، کار خود را شروع می کنند. پس از نرمش، کشتی شروع می شود. برنده فردی است که بتواند کمر حریف را گرفته او را بلند کند و بر زمین زند.

آشیق آشیق (Aşigh aşigh)

نوعی بازی کودکانه. نوع بازی آن تقریباً مانند تپله بازی است با این تفاوت که در این بازی، آشیق را با دست پرتاب می کنند تا به آشیقهای دیگر بخورد ولی در تپله بازی، تپله را در زمین می غلتانند.

آشیق قوز (Aşigh ghoz)

بازی کودکان با آشیق و گردو. بازی به این ترتیب انجام می شود که دایره ای می کشند و هر بازیکن یک گردو روی خط وسط می گذارند. گردوها به صورت یک ردیف چیده می شوند و بازیکن اول پا را بیرون دایره گذاشته و با آشیق یا قاب خود گردو را می زند. هر چند گردو که از دایره خارج شود، مال او خواهد بود و گرنه دیگری ادامه خواهد داد.

آغاج آتما (Ağac atma)

این نام در اصل به معنای تقسیم گوسفندان با انداختن چوب در میان آنهاست. همچنین نام یک بازی است که با چوبدستی انجام می دهند. بازیکنان هدفی را در نظر می گیرند و با چوبدستی خود سعی می کنند که آن را بزنند. طرز پرتاب چوبدستی شباهت بسیاری به عمل چوپانان دارد. بدین ترتیب که چوبدستی را طوری پرتاب می کنند که چرخش کنان بطرف هدف حرکت کند. به این پرتاب «تولازلاما» گفته می شود.

آغاج دوگدو (Ağac döydü)

نام نوعی بازی محلی. یک چوب را با فاصله می گذارند. بازیکن اول با انداختن تکه چوبی، چوب اولی را می زند. اگر موفق نشد دومی ادامه می دهد ولی اگر زد، چوب اصلی را کمی دورتر می گذارد و دومی باید آن را بزند. (گوش روستای الخلیج بستان آباد).

آل آغاجی (Al ağacı)

نام نوعی بازی محلی که در مشکین انجام می‌شود. نام یکی از بازیکنان را روی چوبدستی می‌گذارند. یک نفر چوبدستی را در پایین ترین قسمت آن با یک دست می‌گیرد و هربار درباره چوبدستی صحبتی می‌کند و دست دیگرش را کمی بالاتر می‌آورد (مثلاً چوبدستی به درد شکار خرگوش می‌خورد) به همین ترتیب دستها را بالاتر و بالاتر می‌آورد تا به قسمت انتهایی چوب می‌رسد. جمله‌ای که در این مرحله درباره چوب می‌گوید حکمی است که در مورد صاحب چوب صادر می‌شود. اگر آخرین جمله مثبت باشد تمام است و گرنه (مثلاً چوب سر صاحبش را می‌شکند) با چوب آنچه را که گفته شده، برسر صاحب آن می‌آورند.

آلچی تاوا (Alçı tava).

نام نوعی بازی با قاپ. در این بازی دو نفری اگر یکی آلچی افتاد و طرف مقابل جیک بود، آلچی برنده است. اگر تاوا افتاد و طرف مقابل بوک بود، تاوا برنده است. آنقدر قاپ می‌اندازند تا این حالات اتفاق بیفتد.

آنام منه کور دئییب (Anam mənə kör deyib)

نام نوعی بازی کودکانه. نگا. ددم منه کور دئییب.

آنا منی قوردا وئرمه (Ana məni gürda vermə)

(مادر مرا به دست گرگ نده). نام نوعی بازی کودکانه. بازیکنان در

بازیهای محلی آذربایجان / ۲۷

یک ردیف پشت سر هم می ایستند و از دامن نفر جلویی می گیرند. نفر اول نقش مادر گوسفندان را بازی می کند و روبروی گرگ می ایستد. گرگ سعی می کند به یکی از گوسفندان دست یابد ولی مادر گوسفندان فوراً به برابر او می آید و دیگران نیز سعی می کنند پشت سر او بایستند و حالت ستون را حفظ کنند.

آی قارقوش (Ay gharaghuş)

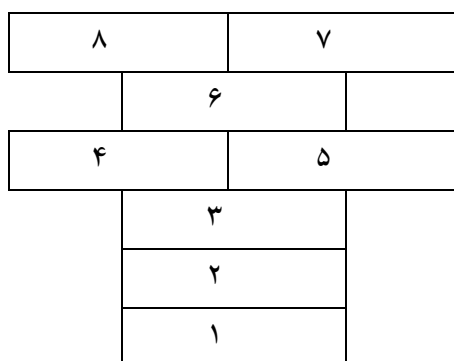
نام نوعی بازی با توپ در خلخال. بازیکنان به دو گروه مساوی تقسیم می شوند و محلی را در فاصله ۴۰-۵۰ متری از زمین بازی خود با نام محل «رفع خطر» تعیین می کنند. سپس بازیکنان یکی از دو گروه با توافق یکدیگر یا بر اساس قرعه کشی، خم شده و دستهای خود را روی زانو قرار می دهند. گروه دیگر بر پشت آنها سوار شده و در حالی که شعر «آی قارقوش سالما یتره قان اولار. سالسان یتره قانوه غلتان اولار» (ای قارقوش به زمین نینداز و گرنه خونریزی می شود و تو در خونت غلتان می شوی) را می خوانند. تویی را که در دست دارند به یکدیگر پاس می دهند. هرگاه توپ به زمین بیفتد، نفرات سواره پایین آمده و خیلی سریع خود را به محل «رفع خطر» می رسانند. در این حین نفرات خم شده توپ را برمی دارند و سعی می کنند آن را به یکی از افراد گروه مقابل خود بزنند قبل از اینکه به محل «رفع خطر» برسد. در صورت موفقیت، جای دو تیم عوض می شود و در غیراینصورت بازی ادامه پیدا می کند.

آی ننه قوردی قوردی (Ay nənə ghurdi ghurdi)

نام نوعی بازی.

آیاق جیزیغی (Ayagh ciziği)

نوعی بازی کودکانه که با گچ پنج خانه روی زمین می کشند و با پا تکه سنگی رالی لی کنان از خانه ای به خانه دیگر می برند. شکل خانه ها به این ترتیب است:



آیاق جیزیق (Ayagh cizigh)

نگا. آیاق جیزیغی.

آیی اویونو (Ayı oyunu)

نام نوعی بازی در توفارقان. یک نفر از بازیکنان نقش جالیزبان را بازی می کند که جالیز هندوانه و خربزه دارد. او از ترس اینکه خرس به جالیزش

بازیهای محلی آذربایجان / ۲۹

صدمه بزند، دو سگ نگهداشته است که نقش آنها را دو جوان بازی می کنند. یک فرد قوی هیکل با پوشیدن پوستین، نقش خرس را بازی می کند. خرس به جالیز نزدیک میشود. سگها از ترس صدایشان در نمی آید. جالیزبان با چوب به خرس حمله می کند. سگها هم از صاحبشان حمایت می کنند و آنقدر خرس را می زنند تا فرار کند. بازیکنان سعی می کنند این درگیرها را به شیوه ای خنده آور نشان بدهند تا حاضران بخندند.

اَششک بئلی سیندیرما (Eşşək beli sındırma)

نام نوعی بازی دسته جمعی. چهار نفر به دنبال هم خم می شوند. سر اولی به درخت یا دیوار است و سر بقیه بر پشت هم به ردیف و متصل هستند. چهار نفر می دوند و بر پشت نفر آخری می پرند. اگر پاهای او خم شد، آنها ادامه می دهند و گرنه جای نفرات عوض می شود.

اَششک باشی دوگمه (Eşşək başı döymə)

نام نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان هر کدام سوار خر می شوند و با چوب خود خریکدیگر را می زنند.

اَششگی سوواردین (Eşşəyi suvadın)

(خر را آب دادی؟) نام نوعی بازی در خوی. یکی از بازیکنان از گوش بازیکن دیگر می گیرد و می گوید:

- اَششگی سوواردین؟ (خر را آب دادی؟)

۳۰ / بازیهای محلی آذربایجان

- سوار دیم. (آب دادم)
- نه سویویلا؟ (با کدام آب؟)
- سویوق سویویلا. (با آب سرد). در اینجا اولی گوش دومی را محکم می پیچاند و می گوید: «آغیزی دوندو آغیزی دوندو» (دهانش یخ زد، دهانش یخ زد)
- اگر بگوید: «ایستی سویویلا. (با آب گرم). دوباره گوش او را می پیچاند و می گوید: «آغیزی یاندی آغیزی یاندی» (دهانش سوخت دهانش سوخت). اگر بگوید: «ایلیق سوسویلا» (با آب ولرم)، دوباره گوشش را می پیچاند و می گوید: «اورگی بولاندی اورگی بولاندی» (حالش بهم خورد حالش بهم خورد).

ائشمه (Eşmə)

نام نوعی بازی کودکانه که با قاب انجام می دهند.

ابه دن کیر (Əbədən kir)

نامی دیگر برای بازی آرادان خیر. (روستای زرین قبا تیکمه داش).

انگه داش قویدو (Ətəyə daş ghoydu)

بازیکنان یک نفر را به عنوان استاد انتخاب می کنند و خود روی زمین می نشینند. استاد یکی از آنها را به عنوان شاگرد برمی گیرند. بعد شروع می کند به گشتن و وانمود می کند که سنگ را در دامن یکی از بازیکنان

بازیهای محلی آذربایجان / ۳۱

گذاشته است. سپس از شاگردش می پرسد که سنگ نزد کیست؟ شاگرد حدس خود را می گوید. اگر حدس او درست باشد، جای استاد را می گیرد و گرنه می نشیند و کس دیگری به عنوان شاگرد تعیین شده و بازی ادامه می یابد.

اجی (Əci)

یک نوع بازی با کودکان است. بدین ترتیب که آدم بزرگتر که خود یا سرش را مخفی کرده و یک مرتبه سرش را درآورده و می گوید «اجی» و بچه ها در اثر این کار بسیار می خندند. در فارسی از واژه دله برای این بازی استفاده می کنند.

ادی باجی (Ədi bacı)

قایم موشک بازی.

ارمنی جیزیغی (Erməni cizig'i)

نوعی بازی دسته جمعی یا دونفره مانند آباق جیزق. شکلی هشت خانه شبیه خاچ (صلیب) می کشند و به همین دلیل است که این بازی را ارمنی جیزیغی (لی لی ارمنی) نامیده اند. پس از خانه های ۷ و ۸، نیمدایره ای رسم می کنند که آن را جهنم می نامند. در این بازی با وجود استفاده از سنگ برای پرتاب به خانه ها، سنگ را با پا نمی زنند و سنگ در هر خانه که بیفتد، از روی آن خانه می پرند. بازی از خانه اول شروع می شود و درخانه

۳۲ / بازیهای محلی آذربایجان

هشتم پایان می یابد. آخرین مرحله جهنم است که بازیکن باید سعی کند سنگ او به جهنم نیفتد. وقتی او به خانه هشتم رسید، باید از روی جهنم بپرد. اگر موفق شد از همان جا باید سنگ را دوباره به خانه بیندازد. در این صورت او برنده است.

اززلی مززلی (Əzzəli məzzəli)

نام نوعی بازی دسته جمعی. همه افراد گروه به جز یک نفر در یک ردیف خم می شوند و زانوهای خود را می گیرند و آن فرد به نوبت از روی آنها می پرد و خود بعد از نفر آخر خم می شود و نفر اول صف کار او را ادامه می دهد.

ال اله (Əl ələ)

نام نوعی بازی کودکان. دو کودک روبروی هم ایستاده و دستهای هم را می گیرند و می چرخند و می خوانند: «ال اله کتان کله، بیز گئدیریک بابام گیله، بابام منه پاپیش آلیب، ایچی دولو کیشمیش آلیب، بیر تایی سنین، بیر تایی منیم، دونباللان پیس» و می نشینند. سپس دوباره برخاسته و این کار را تکرار می کنند.

ال اله دوگمه جه له (Əl ələ düyməcələ)

نام نوعی بازی کودکان. چند کودک دستهای هم را گرفته و حلقه می زنند. بعد شعری می خوانند و در جای معینی از شعر همه باهم می نشینند.

بازیهای محلی آذربایجان / ۳۳

مثلاً: «ال اله دو گمه جه له، بابام گندیب باشماق آلا، بیر جوت منه، بیر جوت سنه، پیس» کسی که حواسش جمع نباشد و ایستاده باشد، از بازی بیرون می‌رود. در دور بعدی به جای «باشماق» چیزهای دیگری چون جوراب و ... می‌گویند.

الیم یاندی (Əlim yandı)

نام نوعی بازی کودکانه.

اوج دوز (Üç düz)

نام نوعی بازی دو نفره. روی زمین چهارخانه چسبیده بهم می‌کشند و هر کدام از بازیکنان ۳ سنگریزه دارند.

به نوبت سنگریزه را در تقاطع خطوط گذاشته و می‌کشند تا سه سنگریزه آنها در یک ردیف باشد و در عین حال از پیش آمدن این حالت برای حریف نیز جلوگیری کنند. اگر یکی از بازیکنان موفق به اینکار شود، یکی از سنگریزه‌های حریف را بر می‌دارد و کنار می‌گذارد. زمانی که سنگریزه‌ها چیده شد و هیچکدام موفق به چیدن سه سنگریزه در یک ردیف نبود، بازی وارد مرحله دوم می‌شود. در این مرحله هر یک از

بازیکنان سنگریزه خود را یک خانه می تواند جابجا کند.

اوچدوم قوندوم (Uçdum ghondum)

نامی دیگر برای بازی اون ایکی دوز. باین تفاوت که زمانی که بازیکنی می خواهد سنگریزه خود را مانند حرکت مهره در شطرنج جابجا کند ، به هنگام بلند کردن می گوید : «اوچدوم» (پریدم) و هنگامی گذاشتن سنگریزه در مکان مورد نظر می گوید: «قوندوم» (نشستم).

اوچدو اوچدو (Uçdu Uçdu)

نوعی بازی - سرگرمی دسته جمعی در تبریز. بازیکنان به صورت دایره می نشینند و یکی از آنها استاد می شود. همگی انگشت سیابه را روی زمین گذاشته و منتظر استاد می شوند. استاد که خودش هم انگشت را روی زمین گذاشته شروع می کند به شمردن : «اوچدو اوچدو قوش اوچدو» (پرید پرید پریده پرید) همگی دستهایشان را به علامت پرواز بلند می کنند. استاد پشت سر هم نام پرنده ها و یا غیر پرنده ها را می برد و بازیکنان باید دقت کنند که در مورد غیر پرنده ها نباید دستشان را بلند کنند و گرنه سوخته و از بازی خارج می شوند. نفر آخر برنده محسوب می شود.

اوخ آندی (Ox atdī)

تیروکمان بازی.

اوستا شاگرد (Usta şayird)

یک نوع بازی - سرگرمی چند نفره. استاد که از میان بازیکنان انتخاب شده، یکی از بچه ها را صدا می زند و چشمهای او را می بندند. از فرد دیگری می خواهد که ضربه ای به پشت او بزند. آنگاه از بازیکن اولی می پرسد تا اسم زننده را بگوید. اگر موفق شد جای آنها عوض می شود و گرنه بازی ادامه پیدا می کند.

اوستا عابباس (Usta abbas)

یک بازی سه نفره. یک نفر اوستا، یک بادبزن و دیگری شاگرد. عده ای نیز تماشاگر با عنوان شاگردان، با دهانشان صدای چکش زدن آهنگر را تقلید می کنند و می گویند: «اوستا عابباس، کورو گو باس». (اوستا عباس، بادبزن را بکار بینداز) او هم مثلاً باد می زند. اوستا آهنگر می گوید: «آخشامدیر کورو گون آغزینی پالچیقلایین گندک ائوه» (غروب است در بادبزن را گل بگیرد، به خانه برویم) یک نفر که از پیش گل را آماده کرده، به دهان بادبزن می مالد. بچه ها می خندند و بازی تمام می شود.

اوستام باز (Ustam baz)

نام نوعی بازی میدانی و دسته جمعی در خوی.

اوروس آتدیرماسی (Urus atdirması)

نام نوعی بازی پرشی در خوی.

اوزوک اوزوک (Üzük üzük)

نوعی بازی و سرگرمی دسته جمعی با انگشتر.

اوزوک گیزلتدی (Üzük gizlətdi)

نوعی بازی دسته جمعی با انگشتر. همان اوزوک اوزوک است.

اوزومدن سو چیخارتماق (Üzümədən çixartmaq)

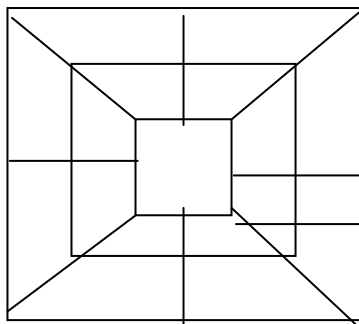
یک نوع سرگرمی با حبه های انگور. چند نفر یک حبه انگور را در میان می گذارند و بر سر مقداری پول شرط می بندند. اولی می گوید من از این حبه ۱۰ قطره آب می کشم. دیگری اضافه می کند و بدین ترتیب دیگران نیز ادامه می دهند تا بر روی عددی توافق کنند. کسی که آن عدد را گفته سوزن را به حبه فرو می کند و آب از سوزن می چکد. اگر موفق شود پول را می برد و گرنه خواهد باخت.

اولاتدی (Ulatdı)

نام نوعی بازی محلی. قواعد آن بسیار شبیه به پیل دسته است.

اون ایکی دوز (On iki düz)

نام نوعی بازی دو نفره که هر کدام ۱۲ سنگریزه دارند. قوانین این بازی مانند بازی اوچ دوز است با این تفاوت که تعداد تقاطع خطوط بیشتر است و مکانی در وسط شکل وجود دارد که سنگریزه های حریف را پس از خارج کردن از مسیر بازی، در آنجا می گذارند.



اویدوم اویدوم (Uydum uydum)

نام نوعی بازی دسته جمعی. یک نفر چوبی را به آسمان پرتاب می کند و دیگران با چوبدستیهایشان می کوشند آن را در آسمان بزنند. هر کدام که موفق شد نفر اول باید او را بر کول خود سوار کرده و تا محل افتادن چوبدستی ببرد. (گوش میانه)

ایپ آتدی (Ip atdi)

طناب بازی.

ایپ کئچدی (Ip keçdi)

نام نوعی بازی با طناب. اگر بازی تک نفره باشد، بازیکن یک سر طناب را به مچ یکی از پاهایش می بندند و طناب را از زیر پای دیگر خود رد می کند اما اغلب این بازی گروهی انجام می شود. گاهی نیز بازیکن طناب را به دور مچ یکی از پاهایش بسته و آن را به صورت دایره می چرخاند و

۳۸ / بازیهای محلی آذربایجان

پای دیگر را از روی آن عبور می دهد. بازی دو نفره به صورتی است که هر بازیکن یک سر طناب را می گیرند و هر دو می پرند.

اگر بازیکنان بیشتر از سه نفر باشند، دو نفر به نوبت طناب را می گردانند و دیگران می پرند. هر کس سوخت، جایش را به نوبت با یکی از کسانی که طناب را می گردانند، عوض می کند. گاه بازی به صورتی است که یک نفر طناب را می گرداند و بازیکنان از بیرون وارد طناب او می شوند، با او می پرند و خارج می شوند و نفر بعدی وارد می شود.

اگر بازیکنان بیش از ۳ نفر باشند، دو کس طناب را چرخانده و بقیه بدون توقف به نوبت آمده و به تعداد معین طناب را از سر و پا عبور داده و خارج می شوند. هرگاه طناب زیر پای کسی گیر کرد، آن بازیکن سوخته و از بازی بیرون می رود.

ایت قوسلو (It ghuslu)

دو نفر دستهایشان را بهم می دهند و نفر سوم از دور می دود و سعی دارد با بدن خود پیوند دست دو بازیکن را باز کند. اگر موفق نشود خود را روی دست آنها می اندازد و آنها هم او را تاب می دهند و ترانه ای را می خوانند: «ایت قوسلوا ایت قوسلو! ایتیم دره ده قوسدو! قارتال داغلارا اوچدو! داغا گئدیرسن دره یه؟» (دمروها دمرو! سگک در دره بالا آورد! عقاب به کوهاه پرواز کرد! می خواهی به کوه بروی یا دره؟) اگر طرف مقابل بگوید کوه، او را روی پایش به زمین می گذارند و اگر بگوید دره، او را با سر می اندازند. بازیکنی که زمین خورد، جای خود را با یکی از دو

طرف عوض می کند و بازی به همین شکل ادامه پیدا می کند.

ایگنه ایگنه (Iynə iynə)

نام نوعی بازی کودکانه در آذرشهر. بازیکنان دور هم می نشینند و دستهایشان را جلو می آورند. یکی از آنها استاد شده و متلی را می خواند: «ایگنه ایگنه او جو دو گمه، بربرینجی برین کئچیر، شاهماجی شاتیر کئچیر، قوچ آغاجی قوتور کئچیر، هابیان هابیان، بیرتیل بیرتیل سو ایچ قورتول» (سوزن سوزن نوکش دوگه، خال کوب می آید، زخمی می رود، کلنگ دوسر، کلنگ به دست می رود. قوچ قوی هیکل، نیز زخمی می رود. پیر این ور، پیر آن ور، بخور، بترک، آب بخور تمامش کن» و در ادای هر کلمه یکی از انگشتان بازیکنان را رد کرده و پیش می رود. آخرین کلمه مثل یعنی «قورتول» به نام هر انگشتی افتاد، آن انگشت کنار گذاشته می شود. استاد دوباره شروع به خواندن مثل می کند تا زمانی که فقط انگشت یا انگشتان دست یا دستهای یک نفر باقی بماند. در این صورت این بازیکن بازنده محسوب می شود.

در این هنگام استاد رویش را به طرف بازنده کرده و از او می پرسد که از دو کلمه «قا» و «قو» کدامیک را می خواهد. بازنده مجبور است یکی از این دورا انتخاب کند. اگر بگوید «قا» می خواهم به عنوان اینکه خواسته «قارقا» (کلاغ) باشد، همگی او را هو می کنند و میخندند و اگر بگوید «قو» می خواهم استاد می گیود که این بچه «قوتور» (جرب) است و باز بچه ها با هلله و کف زدن بازی را به پایان می برند و اگر مایل باشند بازی به

۴۰ / بازیهای محلی آذربایجان

همین شیوه تکرار خواهد شد.

این بازی به شکل دیگری نیز انجام می شود:

یک نفر استاد بازی می شود. بازیکنان دستهای خود را روی زمین می گذارند. استاد متنی را می خواند و با گفتن هر کلمه به یک انگشت اشاره می کند. آخرین کلمه متن به هر انگشتی که بیفتد، آن انگشت کنار گذاشته می شود. این کار ادامه می یابد تا تنها یک انگشت باقی بماند که متعلق به هر بازیکنی باشد، استاد گوش او را گرفته و در همان حال متن دیگری را می خواند، سپس از او می خواهد که نام پرنده ای را بگوید و تا زمانی که پرنده گفته شده در آسمان دیده نشود، استاد گوش او را همچنان نگه داشته و رها نمی کند.

ایلدیریم آغاج (İldırım ağac)

نام نوعی بازی دسته جمعی. نفر اول چوبی را به آسمان پرتاب می کند. نفر دوم باید با چوب خود آن را در آسمان بزند. اگر موفق شود نفر اول باید او را تا محل افتادن چوب خود کول بگیرد و گرنه نفر دوم بازی را ادامه می دهد. (گویش روستای قارقاشای تیکمه داش).

این بازی با نام «اویما آغاج» در نواحی دیگر نیز انجام می شود:

بازیکنان در یک صف می ایستند. اولین نفر چوب خود را با قدرت تمام به هوا پرتاب می کند. بازیکنان دیگر چوب او را نشانه گرفته، هریک سعی می کنند چوب خود را در هوا به آن بزنند. فردی که موفق به این کار شد، منتظر می ماند تا چوبها روی زمین بیفتند. بعد فاصله چوب خود از

بازیهای محلی آذربایجان / ۴۱

چوب خورده شده را از صاحب چوب کولی می گیرد.

مرحله بعدی بازی با چوبهای بر زمین افتاده، انجام می شود. اگر در مرحله اول کسی نتواند چوب مورد هدف را در هوا بزند، در این مرحله شروع کننده بازی نیز همان کسی است که اولین چوب را به هوا پرتاب کرده بود و گرنه کسی که چوب را در هوا زده بود، بازی را شروع می کند. به این ترتیب که یکی از چوبهای روی زمین را نشانه می گیرد و اگر موفق به زدن آن شود، این بار هم کولی می گیرد و صاحب چوب خورده می شود و از بازی کنار می رود. اما اگر نتواند بزند، صاحب چوب مورد نظر سعی می کند چوب این فرد (زننده) را بزند. به هر حال آنقدر ادامه پیدا می کند تا یکی از بازی بیرون برود. البته قبل از بیرون رفتن باید به برنده سواری هم بدهد. به همین شکل بازی را ادامه می دهند تا همه از بازی کنار بروند. در نوبت دوم دومین نفر از صف، چوب خود را به هوا پرتاب می کند و بازی به همان شیوه دنبال می شود تا همه بازیکنان یک بار چوب خود را به هوا انداخته باشند.

اینجه له قیز (Incələ ghiz)

نام نوعی بازی دسته جمعی کودکانه. چهارپنج بازیکن یک دایره درست می کنند. یک نفر نیز میان آنها چمباتمه می زند. بازیکن دیگری که نقش مادر را بازی می کند، در بیرون از دایره به دنبال دخترش می گردد و می خواند: «اینجه له قیزیم ایتیدیر، توربادا دوزوم ایتیدیر». او سرانجام دخترش را می یابد. (گوش خوی).

بئش داش (Beş daş)

بازی پنج سنگ. بازی به قل دو قل. نوعی بازی که معمولاً دختران با پنج قلوه سنگ انجام می دهند. یکی را به هوا می اندازند و یکی را روی زمین می گذارند. در این بازی پنج سنگ مناسب به اندازه یک حبه قند یا فندق انتخاب نموده آنگاه قرعه کشی را انجام می دهند به ترتیب قرعه، اولین فرد بازی را شروع می نماید.

۱- اول سنگها را به زمین می اندازند و سپس یکی از آنها را برداشته با بالا انداختن آن یک به یک سنگهای روی زمین را بر می دارد بلافاصله سنگ پرتاب شده به طرف آسمان را می گیرد. اگر موفق شد تمام سنگها را بگیرد و حتی یک قطعه نیز به زمین نیفتد، بازی را ادامه می دهد و گرنه کار را به نفر بعدی واگذار می کند.

۲- در مرحله دوم تعداد چهار سنگ را به زمین می اندازد و به عدد دو تا دوتا بر می دارد.

۳- در مرحله سوم چهار سنگ را انداخته سه سنگ را یک جا و یکی را به تنهایی بر می دارد.

۴- دوباره چهار سنگ را بر زمین می اندازد و آنها را با هم بر می دارد.
۵- در مرحله پنجم که «قیخلاما» نام دارد، جای سنگها را با حرکت انگشتان عوض کرده و دوتا دوتا بر می دارد.

۶- در مرحله ششم که «یاغیش» نام دارد، چهار سنگ را ردیف نموده و یک سنگ را در دست نگه می دارد و به سایر بازیگران می گوید: «شاه سنگ» را برگزینند. در حین بازی نباید به این سنگ دست یا سنگ دیگری

بازیهای محلی آذربایجان / ۴۳

برخورد نماید. در یک سمت بازیگر دست چپ خود را به صورت دروازه قرار می دهد و در سمت دیگر سنگها را می اندازد با دست راست آنها را به طرف دروازه می زند. اگر موفق شد تمام سنگها را بدون برخورد با «شاه سنگ» به دروازه وارد نماید و آنها را یکجا بقاءد، بازی تمام می شود و او برنده معرفی می گردد.

مرحله هفتم «آلما دریب سبده سالما» و دور هشتم «ال اوستو» نام دارد. ۷- لازم به توضیح است به تمامی مراحل فوق یک «کوما» گفته می شود و در ابتدای امر قرار گذاشته می شود مبنی بر اینکه هر کس بدون عیب و نقص تعداد ۱۰ کوما را پشت سر بگذارد، پیروز خواهد بود. در آن صورت تعداد پنج قطعه سنگ اسم گذاری گردیده و روی دست رقیب گذاشته می شود. رقیب باید در یک آن دست را بالا برده و با ایجاد خلاء ما بین دست و سنگها آنها را در هوا بگیرد.

این بازی به صورت دیگری نیز انجام می شود و آن بدین ترتیب است: بازیکنان سنگهای خود را روی هم می ریزند. یکی از آنها همه سنگها را در مشت خود گرفته و به هوا پرتاب می کند. در این فاصله پشت دست خود را زیر سنگها نگه داشته و هنگامی که سنگها روی دست او قرار گرفتند، دوباره آنها را به هوا می اندازد. این بار هنگام فرود آمدن، سنگها را در مشت خود می گیرد و سعی می کند تا جایی که ممکن است تعداد کمتری سنگ بر زمین بریزد. سپس سنگهای مشت خود را می شمارد. اگر تعداد آنها فرد باشد، بازنده و در غیر اینصورت برنده است و به عنوان جایزه نصف سنگهای مشت خود را برای خود کنار گذاشته و بقیه را برای دور

بابا وئر قیلینجی (Baba ver ghilinci)

نام نوعی بازی کودکانه در خوی. کودکان چشم یک نفر را می بندند. یکی از بازیکنان پشت او سوار می شود و می گوید: «بابا وئر قیلینجی» (پدر شمشیر را بده). بچه ها نوک یک تخته را به گل می مالند و به دست کودک چشم بسته می دهند. او نیز آن را به عنوان شمشیر می گیرد و بچه ها با واکنش دیدنی او می خندند.

باشماق قویدو (Başmaq ghoydu)

نوعی بازی گروهی در مرند. دایره ای روی زمین می کشند و به حکم قرعه یکی از بازیکنان به وسط دایره می رود و لنگه کفش خود را وسط زمین قرار می دهد و از آن پاسداری می کند. دیگران سعی می کنند با پا به کفش او بزنند. اگر صاحب کفش، کسی را با لگد بزند او باید کفش خود را جای کفش نفر اول بگذارد. اگر بازیکنی موفق شود به کفش بزند آن را به دیگران پاس می دهد و همه به دنبال کفش می روند.

بالا بلندی (Bala bələndi)

نگا. یئرده قالان قورد.

بالاجیزیق (Balacizigh)

نام نوعی بازی با قاپ. همانند «جیزیق آتماق» است ولی قطر دایره در این بازی نیم متر است. این بار بازیکن همه آشیکها را در دست می گیرد و به هوا پرتاب می کند، هیچکدام از آشیکها پس از افتادن به زمین، نباید به بیرون از دایره بروند.

بالیق منده (Baligh mändə)

یک نوع بازی ورزشی دسته جمعی در قوشاچای (میاندواب). تمام بازیکنان که همگی شناگر ماهری هستند، داخل آب می روند. یکی از آنها می گوید: «بالیق منده» (ماهی پیش من). دیگران سعی می کنند او را تعقیب کرده و دست خود را به او بزنند. او نیز می تواند هنگام گریز، زیر آبی رفته و بقیه را مجبور کند تا زیر آب او را جستجو کنند. بازیکنی که دست خود را به او بزند، بلافاصله می گوید: «بالیق منده» و این بار همگی به دنبال او می روند و تا هر زمان که بخواهند بازی را ادامه می دهند.

بلیخ (گوش صحیح این نام روشن نشد)

نوعی بازی نمایشی در توفارقان. این بازی در مجالس جمعی انجام می شود. بلیخ جوان آسمان جلی است با لباسهای کهنه و پاره که ظاهری رقت انگیز دارد. او با چنین شکلی وارد مجلس می شود و نقش فرمانبر حاضران را بازی می کند. هر کس از هر گوشه مجلس به او فرمانی می دهد و او باید همه آنها را اجرا کند. گاه در میان فرمانها حرفهای خنده دار و

تمسخر آمیز هم می زند و با بزرگان مجلس شوخی می کند و از آنها انتقاد هم می کند. در پایان با یک رقص خنده دار ولی ماهرانه مجلس را ترک می کند.

بنوشه (Bənövşə)

بنفشه. همچنین نامی است برای نوعی بازی دسته جمعی دخترانه و پسرانه. بازیکنان به دو گروه تقسیم شده و در حالی که دستهای همدیگر را زنجیر وار گرفته اند، در فاصله ۵ متری از هم در دو صف قرار می گیرند. سپس با قرعه کشی، شروع کننده بازی (گروه برنده) را مشخص می کنند. آن دسته که بازی را شروع می کند، می گوید: «بنوشه» طرف مقابل جواب می دهد: «بنده توشه» (به بند بیفتد) باز دسته اول می پرد «بیزدن سیزه کیم دوشه؟» (از گروه ماه کدامیک به گروه شما بیفتد؟) گروه برنده با توافق بین خود یک نفر را صدا می زند و این بازیکن با سرعت و قدرت تمام خودش را به زنجیره گروه مقابل می رساند و سعی می کند صف آنها را پاره کرده و یک نفر از آنها را به غنیمت برای گروه خود ببرد. اگر موفق به این کار نشود، توسط گروه مقابل همانجا نگه داشته می شود و در حقیقت به گروه دشمن می پیوندند. در پایان بازی گروهی که نفرات بیشتری داشت باشد، برنده خواهد بود.

این بازی به نام «بنده توشه» نیز مشهور است.

بازیهای محلی آذربایجان / ۴۷

بوجاق توتدو (Bucagh tutdu)

نوعی بازی دسته جمعی در اردبیل. بازیکنان روی زمین یک چند ضلعی رسم کمی کنند که تعداد گوشه های آن یکی کمتر از تعداد بازیکنان باشد. فاصله گوشه ها باید به اندازه معین بوده و در حدی باشد که بازیکنان با دو بتوانند خود را به آن برسانند. بازیکنی به حکم قرعه در وسط قرار می گیرد. سایرین دو به دو باید جایشان را با هم عوض کنند و نفر وسط باید سعی کند در این جابجایی برای خود جایی بدست آورد.

در تبریز این بازی بدین شکل انجام می گیرد که بازیکنان در وسط همان مکان (اطاق، راهرو و سالن و ...) جمع شده و یک، دو، سه می شمارند و همگی به طرف گوشه های موجود هجوم می آورند. هرکس گوشه ای را می گیرد و آنکه بدون جا می ماند، «گرگ» است. آنگاه بازیکنان شروع به عوض کردن جاها می نمایند و گرگ مترصد است تا به محض خالی شدن گوشه ای، آن را بگیرد. بهر حال هر کس بیرون از گوشه باشد، گرگ است.

بوز تپدی (Buz təpdi)

نوعی بازی یا سرگرمی در اردبیل که در فصل زمستان بر روی رودخانه های یخ بسته انجام می شود. بازیکنان پشت سر استاد بازی که فردی ماهر و ورزیده است، قرار می گیرند. استاد حرکات را یک به یک انجام می دهد و بازیکنان باید عیناً آن را تکرار کنند. این حرکات بیشتر جنبه سر خوردن به شیوه های مختلف را دارد و در چند مرحله که به تدریج

۴۸ / بازیهای محلی آذربایجان

مشکل تر می شود، اجرا می گردد. مراحلی مانند: حرکات ایستاده، حرکات نیمه ایستاده و حرکات نشسته. به هنگام اجرای مراحل فوق هریک از بازیکنان که قادر به انجام بعضی از حرکات نباشند، از دوری بازی خاج می شوند.

به یه مه گیزیر (Bəyəmə gizir)

نام نوعی بازی دسته جمعی در خوی. نگا. شاه وزیر.

پول چوندرمه (pul çöndərmə)

نام نوعی بازی با سکه. بازیکنان هر کدام بطور مساوی تعدادی سکه را بر زمین می گذارند و هر کدام با سکه خود می کوشند با زدن بر آن سکه‌ها، آنها را برگردانند. هر چند سکه که برگردند، نصیب آن بازیکن می شوند.

پول پول (Pul pul)

نام نوعی بازی با سکه است. همان پول چوندرمه.

پولایاخین (Pula yaxin)

نام نوعی بازی دسته جمعی با سکه. یکی از بازیکنان سکه ای را به طرف دیوار پرتاب می کند. دیگران به نوبت سکه های خود را به سمت آن سکه پرتاب می کنند و در پایان هر کس که سکه اش نزدیکتر به سکه نافر اول بود، برنده است و در دور دوم بازی را او آغاز خواهد کرد.

بازیهای محلی آذربایجان / ۴۹

پیت اویونو (Pit oyunu)

نام نوعی بازی یا سرگرمی دو نفره در خالخال. یکی از دو نفر در نقطه شروع بازی قرار گرفته و با ضربه پیت (چوب بزرگ)، پیتچه (چوب کوچک) را به جلو پرتاب می کند. سپس نفر دوم در جای بازیکن اول می ایستد و آب دهان خود را با فاصله هرچه بیشتر به جلو می اندازد. حال باید به همان محلی که آب دهان رسیده بیاید و یک نفس در حالی که عبارت «زیرم زیرم، دا و تبرم، خون در جگرم، راهم، سفرم، من با نفسم بلبل کا» را می خواند و می دود و خود را به جایی که پیتچه قرار دارد، برساند. در صورت موفقیت برنده می شود ولی اگر بین راه نفس او قطع شود و یا نتواند خود را به پیتچه برساند، باید از همانجا که نفسش قطع شده و یا از محلی که عبارت بالا تمام شده، بازیکن دیگر را تا جایی که پیتچه قرار دارد، کول کند.

پیشتی پیشتی (Pişti pişti)

نام نوعی بازی دسته جمعی. این بازی بصورت محله ای انجام می شود یعنی دو محله در مقابل هم قرار دارند و با آغاز بازی، افراد یک محله به افراد محله دیگر حمله می کنند و در وسط میدان به هم لگد می زنند. این بازی قواعد خاصی ندارد و بازیکنان تا آنجا که بتوانند با شدت بهم لگد می زنند. (گوش مرنند).

پیشدبیلی (pişdbilli)

نگاه. یئر پیشیتچی.

پیشیدی (pişibdi)

نام نوعی بازی دسته جمعی در خوی که اساس آن بر دویدن دسته جمعی است. این بازی را معمولاً جوانان انجام می دهند. دو نفر دست در دست هم می گیرند. دیگر بازیکن فریاد می زنند: «پیشیدی» این به منزله آغاز بازی است. آنان سعی می کنند این دو بازیکن را بزنند و آنها نیز سعی می کنند بدون اینکه دست هم را رها کنند آنها را دنبال کرده و بزنند. اگر آنها موفق شوند یکی را بزنند آن فرد باید دوستی برای خود یافته و در مرحله بعدی آنها دستان هم را بگیرند.

پیشیک قاچدی (pişik ghaçdi)

نام نوعی بازی سرگرمی دو نفره. ابتدا قرعه می اندازند و یکی موش و دیگری گربه می شود. موش باید با سرعت دست خود را به گربه بزند و فرار کند. گربه هم باید به دنبال او حرکت کند تا او را بگیرد. اما چون محدودیت مکانی وجود ندارد، فراری می تواند به هر سمت و گوشه ای فرار کند و همین امر باعث می شود گربه را خسته کند. بازی وقتی تمام می شود که فراری توسط گربه زده شود که در این صورت جای نفرات عوض می شود.

پیشیک کئچدی (pişik keçdi)

یک نوع بازی- سرگرمی. بازیکنان به جز یک نفر از آنها، در فاصله‌های معین از هم می ایستند و خم می شوند و نفر باقیمانده از روی آنها می پرد. به طوری که بدنش با آنها تماس نداشته باشد و خود در فاصله‌ای مساوی از آخرین نفر خم می شود. پس از آن اولین نفری که خم شده بود، از روی همه می پرد و بازی به همین ترتیب ادامه می یابد. بازیکنی که نتواند بپرد یا باعث زمین خوردن دیگر بازیکنان شود، یک دور از پریدن محروم می شود.

پیشیک یولو (pişik yolu)

نوعی بازی - سرگرمی دونفره. با توافق دو بازیکن، یکی از آنها موش می شود و یکی گربه. جایی را انتخاب می کنند که فقط یک راهرو داشته باشد. گربه راه را می بندد. موش به گربه می گوید: «پیشیک قارداش منه پیشیک یولو وئر» (برادر گربه به من راه فراری بده) گربه راه باریکی به موش می دهد اما گوش به زنگ است تا موش عبور کرد او را بگیرد. اگر موفق شد موش را پس از عبور بگیرد، دوباره بازی به همین شکل تکرار می شود. اما اگر موش فرار کرد و دست گربه به او رسید. جای موش و گربه باهم عوض می شود.

پیل آغاجی (Pil ağacı)

یک نوع بازی دسته جمعی که قواعد آن شبیه بازی پیل دسته است. ابتدا چاله بزرگ و چاله های کوچک را در زمین می کنند بطوری که جلوی چاله بزرگ همیشه باز بماند. سپس خطی مستقیم جلوی چاله بزرگ می کشند و چوب کوچک را در فاصله یک متری آن قرار می دهند. بازیکنان به ترتیب با چوب خود، در حالی که پشت خط ایستاده اند، چوب کوچک را هدف قرار داده و آن را به جلو می برند. فردی که نتواند چوب خود را به طرف چوب کوچک پرتاب کند، بازنده می شود و مرحله بعدی بازی آغاز می شود. در این مرحله بازنده، چوب کوچک را برداشته و به چاله بزرگ می اندازد. در این هنگام بازیکنان دیگر سعی می کنند با چوب خود چوب کوچک را در هوا یا زمین بزنند و نگذارند به چاله بزرگ بیفتد. اگر بازنده موفق شود، در این صورت بازی متوقف می شود و دوباره آن را به شیوه فوق ادامه می دهند. ولی اگر فردی توانست چوب کوچک را در هوا بزند، باید بلافاصله آن را در چاله خود بیندازد. حال اگر فرد بازنده چوب کوچک را در چاله او بیندازد، صاحب چاله بازی را باخته و جایش را با بازنده قبلی عوض می کند و این بار اوست که باید چوب کوچک را به چاله بزرگ بیندازد.

پیل دسته (Pil dəstə)

در این بازی نفرات به دو گروه تقسیم شده و دو سنگ را به فاصله ۱۵ سانتی متر در کنار هم قرار می دهند و پیلی به طول ۲۰ سانتی متر را روی

بازیهای محلی آذربایجان / ۵۳

سنگ به طور افقی قرار داده و گروه اول با چوبی به طول تقریبی یک متر آن را با ضربه ای به هوا با جهت سمتی که گروه دوم در طرف آن قرار گرفته پرتاب می کنند. اعضای گروه دوم همگی سعی می نمایند آن را در هوا بگیرند تا بدان طریق بازی را به نفع خود گردانند چنانچه گرفتن پیل در هوا میسر نگردد، افراد تلاش دارند تا حداقل نوک انگشتان خود را به آن بزنند تا بدینوسیله یکی از افراد گروه اول را از بازی اخراج نمایند اگر هیچ کدام از این دو حالت روی ندهد، پیل به زمین افتاده را یک نفر به طرف جایگاه دو سنگ پرتاب می کند در این مرحله:

۱- کوشش می شود تا چوب فاصله کمی با دو سنگ در هنگام فرود داشته باشد تا امتیاز کمتری نصیب حریف گردد.

۲- فردی از گروه اول نیز با درایت سعی می کند با چوبدستی خویش، پیل پرتاب شده از سوی حریف را با ضربه ای دور نماید. هرچه فاصله پیل با سنگ ها زیاد گردد در اندازه گیری به نفع گروه اول و هر چه این اندازه کمتر باشد به سود گروه دوم خواهد بود.

۳- از آنجا که اندازه گیری با چوبدستی انجام می گیرد، چنانچه امتیاز گروه اول در مراحل متعدد به تعداد ده متر برسد، همه شرکت کنندگان در بازی به دور هم جمع می شوند، آنگاه افراد گروه اول یک به یک با چوبدستی، پیل را در هوا می زنند تعداد این ضربات شمرده شده و به حساب فرد زنده منظور می گردد.

۴- بعد از اتمام این ضربات، اعضای گروه اول به صورت عمودی اقدام به نواختن ضربه به پیل توسط چوبدستی می نمایند. در این حالت،

۵۴ / بازیهای محلی آذربایجان

اعضای گروه دوم که در جناح مقابل پراکنده اند سعی می نمایند آن را بگیرند تا در آخر این مرحله از مسافت طی شده تا سنگها با پرتاب به وسیله دست کسر نمایند.

۵- پس از اتمام مراحل زدن ضربات گروه اول، گروه دوم به ترتیب نفس خود را در سینه حبس می نمایند و شروع به دویدن می کند. با آغاز دویدن شعری می خواند که کلمه آخر آن به هو ختم می شود. مثلاً می گوید: «آنا داشقا زنیبل زونیول هووووو» یا «آل قمه نی، وئر قمه نی، زنیبل، زونیول هو» در اینجا باید هو را بکشد. طی این مسیر تا زمانی که نفس قطع نگردیده محاسبه می گردد. افراد باید تا سنگها بتوانند «ااولد اماق» را ادامه دهند تا بازی را به سود خود به پایان ببرند.

بازی پیل دسته به صورتهای دیگری نیز انجام می پذیرد:

الف) دایره ای روی زمین می کشند و یکی از بازیکنان با دسته و پیل به وسط زمین می رود و سعی می کند پیل را با دسته به بیرون دایره پرتاب کند. بازیکنان که در اطراف دایره هستند، اگر پیل را بگیرند و به طرف بازیکن وسط بیندازند و او بتواند آن را با دسته بزند می تواند به بازی ادامه دهد ولی اگر موفق نشود، می تواند دوباره با دسته به پیل بزند تا به هوا بلند شود. سپس آن را به جلو پرتاب کند. اگر پس از دوبار موفق نشد، بازنده است و دسته پیل را تحویل بازیکن دیگری می دهد.

ب) چاله ای را به نام قونا در زمین حفر می کنند که بتوان دو سر پیل را در دو طرف آن قرار داد و با دسته به زیر آن زد. یک نفر با دسته پشت پیل قرار می گیرد و سایرین در زمین پراکنده می شوند و بازیکن پیل را به

بازیهای محلی آذربایجان / ۵۵

طرف سایر بازیکنان پرتاب می کند. گاه پیل در هوا گرفته می شود و بعضی اوقات به زمین می افتد و بازیکنی آن را بر می دارد و به طرف دسته که در محل قونا گذاشته شده، پرتاب می شود که اگر به آن اصابت کرد، آن فرد جای بازیکن کنار قونا را می گیرد.

ج) پیل را طوری قرار می دهند که یک سر آن در داخل قونا و سر دیگرش بیرون باشد. بازیکن سعی می کند با دسته سه بار پیل را بزند و به دور دست پرتاب کند. همه یک بار شانس خود را امتحان می کنند و هر کس که پیل را به مسافت دورتری بزند، برنده بازی است.

برای آنکه تعداد هو کشیدن یا «اولاماق» گروه حریف مشخص شود، معمولاً یکی از بازیکنان خبره در اول بازی، پیل را با دسته روی چوبی می زند. به این عمل اصطلاحاً «چپله مک» می گویند. هرچند بار که توانست با دسته پیل را بزند و پیل به زمین نیفتد او می تواند به همان تعداد پیل را با دسته پرتاب نماید.

تاس ملیک (Tas mæilk)

نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان دور یک اوستا می نشینند. یکی از آنها سر به زانوی استاد گذاشته و چشمهایش را می بندد. اوستا انگشت خود را جلوی یکی از اعضای بدن او می آورد. اگر آن بازیکن نام آن عضو را درست حدس بزند، بر می خیزد و دیگری جای او را می گیرد و گرنه بازی ادامه می یابد.

تپیک تپیک (Təpik təpik)

نامی دیگر برای پیشتی پیشتی.

تپیک دوگوش (Təpik döyüş)

نام نوعی بازی - سرگرمی دسته جمعی. بازیکنان به دو گروه تقسیم می‌شوند و در مقابل یکدیگر می‌ایستند. سپس در حالی که یک زانوی خود را خم کرده‌اند، روی یک پا به طرف هم هجوم می‌آورند و یکدیگر را با لگد می‌زنند. گروهی برنده است که تلفات کمتری داشته باشد.

تکسن جوت (Təksən cüt)

نامی دیگر برای بازی تکمه جوت.

تکر سورمک (Təkər sürmək)

چرخ راندن. یا راندن چارچوب فلزی چرخ دوچرخه. بدین ترتیب که با چوبی چرخ را می‌رانند. کناره چوب را در داخل شیار چرخ کرده و آن را به جلو هدایت می‌کنند. یا اینکه با چوب به حاشیه چرخ می‌زنند و راه می‌برند. یا اینکه لاستیک کهنه ماشین را راه می‌اندازند و از روی آن می‌پرند.

تکمه جوت (Təkmə cüt)

نام نوعی بازی دو نفره که با بادام بازی شبیه گل یا پوچ بازی می‌کنند.

بازیهای محلی آذربایجان / ۵۷

با این تفاوت که با دو بادام چشم بندی می کنند و به حریف می گویند که «جفت است یا تک.»

توپ توتدو (Top tutdu)

نام نوعی بازی ۳ نفره یا گروهی. دو نفر با هم یار می شوند و توپ را پاس می دهند. نفر سوم باید تلاش کند توپ را از دست آنها خارج کند. اگر موفق شود توپ را بگیرد، به جای کسی وارد بازی می شود که پرتاب آخری را انجام داده است. بازی با این روال تا زمانی که بازیکنان خسته نشده اند، ادامه پیدا خواهد کرد.

توپ چرخنی (Top çərxi)

نوعی بازی - سرگرمی در مرنند. همه بازیکنان دایره می زنند و تک تک با توپ کوچک پشیمی به وسط دایره می آیند و یک بار توپ را زمین می زنند و یک بار دور خود می چرخند و مجدداً روی توپ می زنند و تعداد ضربه ها شمرده می شود. بازیکن تا جایی ادامه می دهد که دیگر نتواند به توپ بزند. هر کس با امتیاز خود کنار می رود و آنکه بیشتر امتیاز آورده باشد، برنده نهایی است.

توپ عربی (Top ərəbi)

نوعی بازی دسته جمعی با چوب و توپی کوچک. بازی شبیه به بازی کریکت است. این بازی را در زمینی مسطح و مستطیل شکل به ابعاد ۳۰ X

۵۸ / بازیهای محلی آذربایجان

۵۰ انجام می دهند. بازیکنان به دو گروه تقسیم می شوند و با قرعه کشی، گروه دارنده توپ (گروه یک) و گروه گیرنده توپ (گروه دو) را مشخص می کنند. بعد در زمین بازی سه منطقه را تحت عنوان جایگاههای شماره ۱ و ۲ و ۳ تعیین می کنند. یکی از افراد گروه یک، توپ را با قدرت زیاد پرتاب کرده و به سرعت خود را به جایگاه دوم و سوم می رساند و سعی می کند دوباره به جایگاه اول مراجعت کند. در این فاصله اگر گروه دو، توپ را به موقع گرفته و این بازیکن را در بین راه با توپ بزنند، گروه یک بازنده بوه و جای دو گروه عوض می شود. اما اگر موفق به زدن این فرد نشوند نوبت به فرد دیگری از گروه یک می رسد که بازی را ادامه دهد.

مقررات این بازی ایجاب می کند بازیکنی که توپ را پرتاب کرده، حتماً از جایگاه ۲ و ۳ بگذرد و سپس به جایگاه ۱ بازگردد اما این فرصت برای افراد هر گروه باقی است و تا زمانی که آخرین نفر گروهشان توپ خود را پرتاب می کند، می توانند خود را به جایگاه ۱ برسانند. خطر زده شدن توسط گروه دیگر در خارج از ایستگاه باقی است که در آن صورت گروهشان بازنده بوده و جای دو تیم عوض می شود.

در قاضی جهان آذر شهر کمی متفاوت است بدینگونه که برای بازی توپ عربی از کوچه و یا میدان بهره می برند. در یک طرف خانه ای دایره ای شکل به قطر ۳ متر بوسیله آب ترسیم می کنند و در طرف دیگر به فاصله ۲۰ الی ۳۰ متر نیز چنین کاری انجام می دهند. نفرات موجود را به دو دسته تقسیم کرده و با قرعه گروه اول در داخل خانه اول می ایستند. دسته دیگر در سطح کوچه و یا میدان پراکنده می شوند، نفرات و

بازیهای محلی آذربایجان / ۵۹

گروهی که در درون خانه اول جای گرفته اند. به نوبت از درون خط داخل دایره بیرون آمده، توپ کوچک را با ضربه ای به یک طرف پرتاب می نمایند و سپس با سرعت شروع به دویدن می نمایند تا خود را به خانه دوم برسانند. همزمان با این کار، چنانچه افرادی از آن گروه در خانه دوم بوده باشند با گامهای بلند به طرف خانه اول می دوند تا خود را بدانجا برسانند. بالاخره گروه رقیب سعی وافری می نمایند تا توپ کوچک را بدست آورده تا بدینوسیله کسانی را که در حال فرار از این خانه به آن خانه هستند بزنند. اگر این خواسته و هدف تحقق یابد و توپ به قسمتی از بدن یکی از فراریان اصابت کند، جای دو گروه عوض می شود بدین ترتیب که گروه بیرون از خانه به درون خانه می روند و گروهی که تا لحظاتی قبل در درون خانه بودند، به بیرون آمده و در اطراف پراکنده می شوند و بازی به همین ترتیب ادامه پیدا می کند.

توپ گتتمک (Top getmæk)

نام نوعی بازی با توپ مانند بسکتبال. بازیکنان به نوبت به توپ پلاستیکی با دست ضربه می زنند وقتی توپ به زمین خورد و بازگشت باز با ضربه های پیاپی اینکار را ادامه می دهند. هر بازیکنی که بیشتر توپ را در این حالت بازی دهد، امتیاز بیشتری خواهد گرفت.

توپادان توپایا (Topadan topaya)

نام نوعی دسته جمعی در گرمی مغان که اساس آن بر دویدن دسته جمعی است. بازیکنان در چند گروه تقسیم می شوند. هر گروه در مکانی با فاصله، حلقه می زنند و یک نفر در میانه حلقه می ایستد. دو نفر در بیرون حلقه ها هستند اولی کمربندی در دست دارد و دیگری را می زند. آن فرد به داخل یک گروه یا توپا پناه می برد. اگر او داخل توپا شد، نفر وسط آن گروه باید خود را به توپای دیگر برساند. بازیکن کمر بند به دست نیز او را دنبال می کند و می زند.

توخوم چیخارتماق (Toxum çixartmağ)

یک نوع سرگرمی با هندوانه. یک نفر روی هندوانه مستطیلی می کشد و می گوید که من از اینجا ۶ دانه تخم درمی آوردم. دیگری رقم بیشتری می گوید و به همین ترتیب ادامه می دهند تا به عدد ۱۲ برسد. کسی که ۱۲ را گفته، با چاقو هندوانه را از روی آن مستطیل می برد، اگر برنده شود هندوانه مال اوست و گرنه باید پول هندوانه را بدهد.

تورب اوینو (Turb oyunu)

یک نوع بازی - سرگرمی کودکان. از میان بازیکنان یک نفر استاد می شود. استاد نام میوه ها و سبزیجاتی را که بیشتر در مناطق آذربایجان به عمل می آید، یک به یک گفته و شکل هر یک را مجسم می کند. بازیکنان باید گفته ها و حرکات استاد را تقلید کنند. گاهی استاد عمداً اسم

بازیهای محلی آذربایجان / ۶۱

بعضی از میوه ها و سبزیجاتی را که می آورد، با شکل آنها هماهنگی ندارد. در این میان بازیکنانی که دقت کرده و خودشان شکل صحیح را نشان دهند، برنده و کسانی که کار اشتباه استاد را همچنان تقلید کنند، بازنده می شوند و باید جریمه بازی را که قبل از شروع بازی مشخص شده، پرداخته یا عمل کنند. جریمه ها خود خوراکی، رقصیدن، خواندن ترانه و چیزهای دیگر است.

تورنا دوگدو (Turna döydü)

نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان ابتدا بین خود قرعه کشی می کنند تا مشخص شود شلاق در دست چه کسی باشد. بعد به صورت دایره با فاصله های مساوی از یکدیگر می ایستند. فردی که شلاق به دست دارد، در وسط دایره قرار می گیرد و در حالی که شلاق را می چرخاند سعی دارد به پای یکی از بازیکنان بزند. ولی سایرین هربار که شلاق به طرف آنان می آید، باید با زرنگی از روی آن بپرند و مانع زدن او شوند. شلاق به پای هر کس که بخورد، بازنده محسوب می شود و باید شلاق را به دست گرفته و به وسط دایره بیاید. در غیر اینصورت همان فردی که شلاق دست اوست به همان شیوه بالا بازی را ادامه خواهد داد.

تورنا ووردو (Turna vurdu)

نگا. شاه وزیر.

تولا دوگدو (Tula döydü)

نام دیگری برای بازی قاییش گوتدو. (گوش روستای عین الدین بستان آباد).

تووخان (Tovxan)

طرف جیک بچول. طرف برجسته بچول. نام نوعی بازی دسته جمعی. دایره ای می کشند و در وسط آن مربعی کوچک. در داخل مربع هر بازیکن یک گردو می چیند. نفر اول با قاب گردوها را می زند. اگر گردو از دایره خارج شود، مال او می شود ولی اگر گردو از مربع بیرون رود، می گویند «اگیلدی» و جریمه دارد. به تعداد هر گردو که از مربع خارج شده باشد، آن بازیکن باید گردو را در مربع بگذارد. اگر قاب را انداخت و قاب تووخان افتاد، همه گردوها مال او می شود ولی اگر آلچی بیفتد، یک گردو باید به عنوان جریمه بدهد.

توولاما (Tovlama)

نوعی بازی دسته جمعی. دایره بزرگی روی زمین می کشند و آن را به ۸ قسمت تقسیم می کنند. در سمت چپ و در خارج دایره، مربع مستطیلی رسم می کنند که خانه اول بازی است. خانه های داخل دایره را هم از ۲ تا ۹ شماره گذاری می کنند. درست در نقطه مقابل خانه ۱، در آن طرف دایره و در بیرون آن، نیمدایره ای رسم می کنند که جهنم خوانده می شود. بازیکن اول، سنگ را در خانه اول می اندازد و خود از روی خانه اول

بازیهای محلی آذربایجان / ۶۳

می‌پرد و یک پایش را در خانه ۲ و پای دیگرش را در خانه ۳ می‌گذارد. بعد به خانه ۹ می‌پرد و پای راستش را بالا نگه می‌دارد. خم می‌شود و سنگ را از روی خانه اول برمی‌دارد و از روی خانه ۱ به بیرون بازی می‌پرد. پشت به شکل بازی می‌ایستد و سنگ را از پشت سر می‌اندازد. سنگ در هر خانه ای افتاد، آن خانه متعلق به بازیکن خواهد بود. اما اگر سنگ او به جهنم افتاد، او سوخته است و دیگری بازی را شروع می‌کند. در این بازی افتادن سنگ و با رفتن پا روی خط، موجب باخت بازیکن است. همینطور اشتباه گذاشتن پا در خانه.

تویوق قیزارتما (Toyugh ghizartma)

نام نوعی بازی دسته جمعی. این بازی یک نوعی از بازی قایم موشک است. یک نفر به عنوان «بیگ» دستهایش را به هم قفل می‌کند و نفر اول از بازیکنان سعی می‌کند دستش را طوری به داخل دستهای قلاب شده «بیگ» برده و به سرعت بیرون بکشد که «بیگ» نتواند دست او را بگیرد. اگر چنین شود، نفر دوم می‌آید ولی اگر بیگ دست بازیکن را گرفت. بیگ چشمان او را با دست می‌گیرد و همه قایم می‌شوند. سپس آن فرد برای یافتن آنها می‌رود. اگر آنها او را بگیرند می‌زنند و اگر او آنها را پیدا کند پیش بیگ می‌آید و شوبه می‌گوید.

جوجه گوزو (Cücə gözü)

نامی دیگر برای بازی یولدش آپاردی در گرمی مغان. در تبریز نیز همین بازی را با همین نام انجام می دهند.

جوجولو پندیر گوگ (Cücülü pendir göy)

نوعی بازی یا سرگرمی کودکان در خیابان و ایلات شاهسون. سه قطعه سنگ به نامهای جوجولو (سنگ سیاه)، پندیر (سنگ سفید) و گوگ (سنگ سبز) انتخاب می کنند. استاد بازی یکی از سنگها را در دستش پنهان می کند و از بازیکنان دیگر می خواهد که نام آن سنگ را بگویند. هر کدام که درست گفتند، یک امتیاز می گیرند. استاد سنگ دیگر را پیش می آورد و دوباره از آنها سوال می کند. در آخر کسی که کمترین امتیاز را بیاورد، بازنده می شود. استاد چشمهای بازنده را بسته و از دو نفر دیگر می خواهد که خود را پنهان کنند. حال بازنده باید بگوید که آن دو نفر به سمت راست رفته اند یا سمت چپ. اگر درست گفت که چشمهایش را باز می کنند و گرنه هر دو را کول کرده و تا مسافتی که معین شده، می برد.

جوز آغاجی (Cuz ağacı)

نوعی بازی سرگرمی گروهی در خیابان. بازیکنان به دو گروه مساوی تقسیم می شوند. آنگاه گودالی در زمین می کنند که به آن «مره» گفته می شود. یکی از دو گروه محافظ گودال است. هنگامی که گروه دیگر توپ را به طرف گودال پرتاب می کند، بازیکنان گروه محافظ با چوبی که در

بازیهای محلی آذربایجان / ۶۵

دست دارند، باید مانع وارد شدن توپ به گودال شوند. در صورت افتادن توپ به گودال، جای دو گروه عوض می شود و به بازی ادامه می دهند. این بازی را «جوز مره» نیز می گویند.

جوز مره (Cuz mərə)

نگا. جوز آغاجی.

جولا توتما (Cola tutma)

نوعی بازی دسته جمعی. به دلخواه روی زمین بازی چاله هایی می کنند که یک توپ کوچک یا گردو در آن جا بگیرد. در داخل هر چاله تعدادی سنگ ریزه می ریزند. بازیکنان به نوبت، توپ را به طرف چاله ها قل می دهند. اگر توپ در چاله ای افتاد، به ازای آن یکی از سنگریزه های داخل چاله را برمی دارند تا تمام شود. سپس سنگها را می شمارند. سنگ هر کس بیشتر بود، برنده نهایی است.

جیزدانا جیزدان (Cizdana cizdan)

نوعی بازی دسته جمعی در میان کودکان خوی. کودکان دستهای خود را روی دست یکدیگر می گذارند. هر بازیکن با نوک انگشتانش پوست رویه دست دیگری را می گیرد. مثلاً اگر سه نفر بازیکن باشد، شش دست روی هم خواهد بود. بازیکنان دستهای خود را با ریتم بالا و پایین برده و می خوانند: «جیزدانا جیزدان الیم یاندی» دست پایین به بالا می آید و همینطور ادامه می یابد.

جیزلیق (Cizligh)

نام نوعی بازی دسته جمعی در مرند. دایره ای می کشند و در وسط آن قاب و بادام می گذارند و با قاب آنها را می زنند.

جیزیق (Cizigh)

نوعی بازی مانند آیاق جیزق در تبریز. تعداد بازیکنان این بازی از ۲ تا ۵ نفر می تواند باشد. جیزیق در این بازی به صورت شش یا هشت خانه کشیده می شود و در انتهای آن یک جهنم وجود دارد. این بازی متفرعات گوناگونی چون «قیچی قیچی» (که سنگ را بصورت ضربداری از خانه ها رد می کنند، اوستدن وورما (که سنگ را همزمان با گذاشتن پا باید بزنند)، لس لس (که بازیکن سر را بالا می گیرد و از حفظ خانه ها را رد می شود و اگر پایش روی خط بیفتد چس یعنی سوخته است)، آیاق اوستو (که بازیکن سنگ را روی پایش می گذارد و از تمام خانه ها رد می شود) و ال اوستو (که سنگ را روی دست می گذارد و خانه ها را رد می شود).

جیزیق آتماق (Cizigh atmagh)

یک نوع بازی با قاب که در قدیم بین بچه ها مرسوم بود. شکل این بازی تقریباً شبیه بازی آشیق قوز است با این تفاوت که در وسط دایره به جای گردو از آشیق استفاده می کنند.

چئچیلر (Çeçilər)

نوعی بازی نمایشی دو نفره. خواننده چادر زنانه بر سر می کند و دستهایش را به پشت سر می برد. حرکت دهنده دستها پشت خواننده، زیر چادر زانو می زند و دو دست خود را بیرون می آورد و به جای دستهای خواننده حرکت می دهد. خواننده شروع به خواندن شعرهای فکاهی می کند و نفر دوم باید دستها را بنا بر صحبتهای خواننده حرکت بدهد تا طبیعی جلوه کند. هرچه حرکت دهنده دستها از مهارت بیشتری برخوردار باشد، حاضران در مجلس بیشتر از بازی لذت خواهند برد.

چؤلہ چیخما (Çölə çixma)

نام نوعی بازی دسته جمعی. یک مکان امن با نام «ابه» در نظر می گیرند. گروه اول در ابه و گروه دوم در خارج آن قرار می گیرند. یکی از افراد گروه اول بدو از ابه خارج می شود. نفرات گروه دوم سعی می کنند او را بگیرند و او سعی دارد به ابه بازگردد. اگر او موفق شود امتیاز می گیرد ولی اگر او را بگیرند، یک امتیاز به گروه مقابل تعلق می یابد.

چیلیک دسته (Çilik dəstə)

یک نوع بازی دسته جمعی در خوی. قواعد آن تقریباً همانند بازی پیل دسته است.

چیلینگ آغاج (Çiling ağac)

نامی دیگر برای بازی پیل دسته. (گوش بستان آباد و قره چیمن)

حامام پوش (Hamampuş)

نوعی بازی دسته جمعی کودکانه در خوی. این بازی با خاک و آب انجام می شود. بچه ها هر کدام در جلوی خود یک مخروط از خاک خشک درست می کنند. آب می آورند و محیط مخروط را با آن خیس می کنند. سپس با گرداندن دست خود بر روی این مخروط می گویند: «حامام پوش پول گتیر، پول گتیرمه سن قیل گتیر». با گفتن این جملات سطح حامام پوش بتدریج سفت می شود و به شکل گنبد در می آید. در اطراف گنبد با چوبی چند منفذ باز می کنند و خاک خشک داخل گنبد را خالی می کنند.

حامام حامام (Hamam hamam)

استاد به وسیله کاسه ای که آن را از شن و ماسه پر می کند برای هر بازیکن پشته ای درست می کند که آن را حامام می نامند. هر بازیکن پشته خود را زیر خالی می کند و به آن شکل می دهد و مثلاً دهلیزهایی زیر آن می سازد که به هم راه دارند اما سعی می کند طوری این راهها را باز کند که سقف محکم و استوار باشد. بعد استاد از کار آنها بازدید می کند و با مشت بر سقف این حمامها می کوبد و می گوید: «حامام یات» (حمام بریز) و بازیکن در جواب می گوید: «آی یاتمارام» (آی نمی ریزم). اگر پس از

بازیهای محلی آذربایجان / ۶۹

دو سه بار سوال و جواب و مشت کوبیدن، سقف حمام خراب نشد، بازیکن برنده است. به این بازی «حمام یات» نیز می گویند.

خان توپبی (Xan topbi)

نوعی بازی دو نفره کودکانه در خوی. کودک اول با گل هاونی درست می کند و با آب دهان ته آن را محکم می کند. او این ظرف را در دست می گیرد و به دوستش می گوید: «خان توپبی» دوستش می گوید: «گول توپبی. هانی قندی؟» دیگر می گوید: «بودور گلدی». کودک اولی هاونی را که در دستش دارد، روی دهانه بر زمین می زند. خان توپبی با صدا از هم پاشیده و ته آن باز می شود. طرف مقابل باید با گل این جای باز شده را پر کند ولی اگر هاون از هم پاشیده باشد، همه هاون به طرف مقابل خواهد رسید. سپس کودک دیگر خان توپبی خود را بر زمین خواهد زد.

خوروز خوروز (Xoruz xoruz)

شکل این بازی با تفاوتی شبیه «هاقیشقا» است. بازیکنان یک پای خود را از زمین بلند می کنند و به حالت لی لی، زمین بازی را طی می کنند. ضمناً دستهای خود را نیز زیر بغل می گیرند و به هم نزدیک می شوند و سعی می کنند همدیگر را بیندازند. بازیکنی که پایش را زمین بگذارد یا دستهایش را از هم باز کند و یا تعادلش به هم بخورد و به زمین بیفتد، سوخته است و باید از بازی کنار برود.

خسته کین (Xəstəkin)

نوعی بازی دسته جمعی در خوی. معمولاً سه نفر این بازی را انجام می دهند. مقررات این بازی تقریباً مانند بازی آیاق جیزق است یعنی تکه ای سفال یا کاشی را لی کنان به ترتیب از خانه ها عبور می دهند و چون بازیکن خانه ششم را نیز رد کرد، می گوید: «خسته کین». شکل خانه ها در این بازی با «آیاق جیزق» متفاوت بوده و به این شکل است:

۴	۳
۵	۲
۶	۱

داراق گیزلتدی (Daragh gizlətdi)

نوعی بازی - سرگرمی دسته جمعی در گرمی مغان که معمولاً در مجالس جشن و عروسی انجام می شود. دستمالی را پیچانده و به صورت شلاق درمی آورند. حاکم بازی، شلاق را در دست گرفته و شانه ای را طوری در جیب یکی از بازیکنان می گذارد که کسی متوجه نشود. بعداً رو به بازیکنان کرده و از آنها می خواهد که بگویند شانه در جیب چه کسی است. اگر کسی درست حدس بزند، ضربه ای به حاکم زده و خود حاکم می شود و گرنه یک ضربه محکم از حاکم می خورد و بازی دوباره شروع می شود.

داری سپمه (Dəri səpmə)

نوعی بازی - سرگرمی چند نفری. تعداد بازیکنان باید زوج باشد. افراد گروهها روبروی هم می ایستند و در حالی که هر گروه بازوها را بهم قفل کرده اند، بازی شروع می شود. گروه اول با قدمهای ریتمیک در حال خواندن این شعر جلو می روند که «بیز داری نی سپه ریک! سپه ریک!» (ما بذر را می پاشیم می پاشیم). تیم مقابل با همان ریتم جلو می آید و می خواند: «سبز داری نی نه ایله سپه سبز؟» (شما بذر را با چی می پاشید؟) جواب می دهند و همچنان به جلو می آیند: «بیز داری نی اووجو ایله سپه ریک.» (ما بذر را با مشت می پاشیم).

در همین سوال و جوابها دو گروه رو در روی یکدیگر هم قرار می گیرند و همراه با خواندن شعر، سعی می کنند یکدیگر را هل داده و عقب ببرند. هر تیم که مقاومت کند و علاوه بر مقاومت بدنی، جواب مناسب را هم بدهد، برنده محسوب می شود.

داش قاچان (Daş ghaçan)

یک نوع بازی دو نفره در هشتروند. ابتدا ۵۰ سنگ را پشت سرهم می چینند. بعد درخت یا نشانه ای را در حدود ۳ کیلومتری محل بازی انتخاب می کنند. طوری که در جای بلندی باشد و از دور دیده شود. حال نفر اول باید دویده و دست خود را به این نشانه بزند و به سرعت برگردد و در همین فاصله، نفر دوم باید سنگها را یکی یکی از اولین سنگ برداشته و آن را ۴ متر دورتر از آخرین سنگ روی زمین بگذارد و بلافاصله برگشته و

۲۲ / بازیهای محلی آذربایجان

دومین سنگ را در کنار سنگ اول قرار دهد و بقیه سنگها را به همین ترتیب در همان جا جمع نماید. اگر این بازیکن بتواند قبل از رسیدن نفر اول، همه سنگها را جابجا کند، برنده است و گرنه نفر اول برنده خواهد بود.

دالا میندی (Dala mindi)

نوعی بازی دو نفره. دو بازیکن باید همقد و هموزن باشند. آنها دستها را از پشت سر در هم قلاب می کنند و هر بار یکی از آنها دیگری را از زمین بلند می کند به طوری که روی او بطرف آسمان باشد. از او می پرسد: «گویده نه وار؟» (در آسمان چه خبر؟) دومی جواب می دهد: «گوی مونجوغو» (منجوق آسمان). می پرسد: «یترده نه وار؟» (در زمین چه خبر؟). دومی جواب می دهد: «یتر مونجوغو» (منجوق زمین). می پرسد: «آدین نه دیر؟» (اسمت چیست؟) جواب می دهد: «کرخانا» (کارخانه) بالایی به بازیکن پایینی می گوید: «گوتور منی آت داما» (بردار مرا به پشت بام پرت کن). در این موقع بازیکن رویی پایین آمده و بازیکن اول را بالا می برد و این گفتگوها ادامه می یابد.

این بازی را با نامهای دیگری چون «گویده نه وار» و «گوی مونجوغو» نیز بازی می کنند.

دانقلا پیشتوو (Danghala pištov)

بازی اله کلنگ در خوی. بازیکنان به هنگام پایین و بالا رفتن می گویند: «دانقلا پیشتوو محمدی، گتندی قالا یا گلومه دی».

ددم منه کور دئییب (Dədəm mənə kör deyib)

یک نوع بازی کودکانه در خوی. کودکی یک چوب بر می دارد، چشمانش را می بندد و فریاد می زند «ددم منه کور دئییب (پدر مرا کور نام نهاده» با گفتن این جمله چوب را می چرخاند و سعی می کند تا دیگران را بزند.

دستمال آپارماق (Dəstmal aparmagh)

نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان به دو گروه مساوی تقسیم شده و روبروی یکدیگر در دو صف قرار می گیرند. بعد دستمالی را در فاصله بین دو گروه، روی زمین می گذارند. به طوری که فاصله آن از دو صف مساوی باشد. استاد بازی که از میان بازیکنان انتخاب می شود، شروع به شمردن از یک تا سه می کند. در این فاصله، دو نفر از هر گروه تا پایان شمارش فرصت دارند، دستمال را برداشته به جای خود برگردند. به شرطی که هنگام برداشتن دستمال، دست حریف به آنها نخورد. در پایان گروهی برنده است که بردهای بیشتری داشته باشد. افراد این گروه به عنوان پاداش بر دوش بازیکنان سوار شده و تا مسافت معینی سواری می گیرند. این بازی را در مرند «به قاپدی» می نامند.

دگیرمانچی بابا (Dəyirmançı baba)

نوعی بازی نمایشی دو نفره در توفارقان. آسیابان مشغول کار است که زن بیوه گرسنه ای مقداری گندم برای آرد کردن می آورد. آسیابان از آرد کردن گندم او طفره می رود و وانمود می کند که خیلی کار دارد. هر بار

۷۴ / بازیهای محلی آذربایجان

زن برای نرم کردن دل او شعری می خواند ولی او باز هم راضی نمی شود. زن چند شعر می خواند. آسیابان کار او را راه می اندازد و بازی تمام می شود.

دگیرمان دگیرمان (Dəyirman dəyirman)

یک نوع بازی نمایشی. یکی از بازیکنان دست و پایش را توی شکمش جمع می کند و روی زمین چشم می گذارد. سایر بازیکنان دستهایشان را مشت می کنند و به ترتیب روی پشت او روی هم می گذارند و مرتباً با خواندن: «دگیرمان دگیرمان آلتداکی الی اوسته گتیر» (آسیاب آسیاب دستی که زیر است را رو بیار). (در تبریز می گویند: «دگیرمان دگیرمان آلتداکی گلستین اوسته») جای دستهایشان را عوض می کنند و از بازیکنی که چشم گذاشته می پرسند که دست چه کسی بالاست. او باید حدس بزند. اگر حدس او درست باشد، بلند می شود و کس دیگری جای او می خوابد. اما اگر درست نگفت بازیکنان او را غلغلک می دهند یا به او صقلمه می زنند و می گویند: «یات یات دام اوستونه قولاق کسن گلیبیر» (بخواب بخواب که روی بام گوش بر آمده است).

دور آیاغا دور (Dur ayağa dur)

نوعی بازی دسته جمعی برای دختران در تبریز. بازیکنان به صورت دایره می ایستند. یکی از میان آنها انتخاب شده و در وسط دایره می نشیند. بازیکنان ایستاده دست به دست هم داده و در حالی که ترانه ای می خوانند،

بازیهای محلی آذربایجان / ۷۵

رقص کنان دور آن دخترک نشسته می چرخند. بعد از پایان ترانه، همگی دستهای خود را باز کرده و به طرف او می روند. سپس بر سر او کوبیده و با اشاره دستها به او می فهمانند که وقت آن است که برود و هر که را که می خواهد بزند و همگی به جای اولیه خود باز می گردند. دخترک با چشم بسته به طرف دایره رفته، به یکی از بچه ها اشاره و یا با دست به او می زند. کسی که اشاره و یا دست دخترک به او بخورد، گرگ شده و با هلله و شادی بچه ها، مجبور می شود جای دخترک بنشیند و بازی دوباره به همان شکل ادامه می یابد.

دوگمه اوینو (Duymə oyunu)

یک نوع بازی دسته جمعی در بخش صومای اورمیه. هر بازیکن یک دگمه روی زمین می گذارد. بازیکنان دگمه های یکدیگر را نشانه می گیرند. اگر دگمه فردی که نشانه گرفته، به دگمه دیگری بخورد، برنده است و دگمه طرف مقابل را بر می دارد.

دونقا دونقا (Dongha dongha)

نگا. لوپوک قاج.

دووارا ووردو (Duvara vurdu)

یک نوع بازی - سرگرمی گروهی. بازیکنان سنگها یا دگمه ها را به تساوی بین خود تقسیم می کنند و در فاصله معین از یک دیوار خطی می کشند. روی دیوار هم علامتی می گذارند که نشانه آن است که نباید

۲۶ / بازیهای محلی آذربایجان

سنگها یا دگمه ها از آن حد تجاوز کند. سپس هر یک از بازیکنان به نوبت سنگ خود را پرتاب می کنند. اگر سنگی به بالای خط تعیین شده روی دیوار اصابت کند، دیگر به بازیکن بازگردانده نمی شود. پس از انجام پرتابها، هر بازیکنی که سنگ بیشتری داشته باشد، برده است.

دوواردا ووردو (Duvarda vurdu)

یک نوع بازی دسته جمعی یا دونفره با سکه که در پی دیوار بازی می کنند. قواعد این بازی همانند بازی پولا یاخین است. با این تفاوت که پای دیواری یک مستطیل به طول دو متر و عرض یک متر می کشند.

دوه قووماق (Dəvə ghovmagh)

مسابقه شترسواری.

رنگه کسمک (Rəngə kəsmək)

یک نوع سرگرمی با هندوانه. دو نفر هر کدام یک هندوانه بر می دارند و بر سر رنگ آن شرط می کنند. همواره کسی که رنگ هندوانه اش قرمز باشد، دیگری را خواهد برد.

زولاق آتماق (Zolagh atmagh)

نوعی بازی دسته جمعی با بادام. پای دیوار یک گودال یا «زولاق» به اندازه جا گرفتن یک سیب می کنند. تقریباً در دو متری آن روی زمین یک

بازیهای محلی آذربایجان / ۷۷

خط افقی می کشند. یکی از بازیکنان با عنوان «دیب دوران» کنار زولاق می ایستد. بازیکنان به نوبت پایشان را آنسوی خط گذاشته و بادامهایشان را بسوی زولاق پرتاب می کنند. بادامهایی را که بیرون از زولاق باشند به «دیب دوران» می رسد. بادامهای داخل زولاق اگر فرد باشند، به دیب دوران تعلق می گیرند ولی اگر زوج باشند او باید به تعداد آنها بادام بدهد. اگر کسی همه بادامهایش را باخت، نزد دیب دوران می ایستد و هربار چند بادام از او می گیرد و سپس به بازی برمی گردد.

زویدورمه (Züydürmə)

یک نوع بازی دسته جمعی. بازیکنان یک به یک چوبی را بدست می گیرند و سعی دارند آن را در روی زمین تا فاصله دورتری بلغزانند. وقتی که همه چوبهایشان را لغزاندند، هرکس که چوبش را کوتاه تر از همه لغزانده باشد، کلاه یا کفشش را بر زمین می گذارد و دیگران با چوبهایشان آن را می کوبند. (روستای قارقاشای تیکمه داش).

زویولداق (Züyüldagh)

بازی سر خوردن روی برفها. پس از باریدن برف، بازیکنان قسمتی از برف را می کوبند تا کاملاً سفت شود. سپس به ترتیب شروع به سر خوردن می کنند. با هر نوبت سر خوردن، زمین لغزنده تر می شود و به مهارت بیشتری نیاز است. این بازی برد و باخت مشخصی ندارد مگر آنکه بازیکنان بین خود قراری بگذارند. معمولاً در این صورت برنده کسی است که یا اصلاً زمین نخورده باشد، یا تعداد زمین خوردن او از همه کمتر باشد.

سانجیلما آغاج (Sancılma ağac)

نام نوعی بازی دسته جمعی در تیکمه داش. بازیکنان دو گروه می‌شوند. نفر اول یک گروه گامها را می‌شمارد و به جلو می‌رود. در گام سوم چوب نوک تیزی را به زمین فرو می‌کند، اگر فرو رفت ادامه می‌دهد و گرنه به او می‌گویند «سیچ». نفر دوم همان گروه ادامه می‌دهد. آنقدر می‌روند تا همه افراد گروه اول بسوزند. چون افراد یک گروه تماماً سوختند، آنان باید به نوبت به طرف محل آغاز بازی زوزه بکشند و بدون تا به مکان اولیه بازگردند.

سوت ساغدی (Süt sađdı)

نوعی بازی سرگرمی در ماماغان. بازیکنان با توافق هم، دو نفر را که بزرگتر و زرنکتر از همه باشند، با نام سردار و شیطان انتخاب می‌کنند. سردار که سرپرستی بچه‌ها را بر عهده دارد، آنها را در یک ردیف می‌نشاند و شیطان هم که قصد آزار و اذیت آنان را دارد، در فاصله‌ای دورتر پنهان می‌شود. سردار کلاه یا کفش یکی از بچه‌ها را به عنوان ظرف گودی برداشته و آن را در پایین لباسهای بچه‌ها قرار می‌دهد و مانند حالتی که شیر می‌دوشت، لباسهای آنها را تکان می‌دهد که به این کار «سوت ساغدی» (شیردوشی) می‌گویند. وقتی کار دوشیدن شیر تمام شد، سردار، ظرف شیر را روی سر یکی از بچه‌ها گذاشته و به آنها سفارش می‌کند که در غیاب او که به سرکار می‌رود، مواظب شیر باشند که نریزد. بعد از رفتن سردار، شیطان به حالت لی لی به طرف بچه‌ها آمده و با زبان چرب و نرم خود، از

بازیهای محلی آذربایجان / ۷۹

در دوستی با آنها درمی آید ولی ناگهان ظرف شیر را برداشته و بر زمین می ریزد. بچه ها شروع به گریه و زاری کرده و سردار را صدا می زنند. پس از اینکه سردار از سرکار برمی گردد، به اتفاق بچه ها به دنبال شیطان می روند تا او را گرفته و کتک مفصلی به او بزنند.

سوزدورمه آغاج (Süzdürmə ağac)

نگا. زویدورمه. (گوش روستای شیرین بولاق بستان آباد).

سومسو چیخارتماق (Sümsü çixartmaq)

نام نوعی بازی که در فصل بهار با شاخه جوان درخت بید انجام می شود و بچه ها پوست آن را سالم در می آورند و با آن مانند نی می نوازند.

سیلیم سوپوروم (Silim süpürüm)

کودکی چشمان کودک دیگر را از پشت می گیرد و می پرسد: «سیلیم سوپوروم» دیگری می گوید: «آلاها باغیشلا». اولی او را رها می کند.

شرمی خط (Şer mi xət)

یک نوع بازی دو نفره با سکه. بازیکن اولی تعدادی سکه را در مشت می گیرد. آنها را بهم می زند و به هوا پرت می کند. بازیکن دیگر یا می گوید «شیر» یا «خط». اگر بگوید شیر، سکه ها که به زمین افتاد، شیرها را می شمارند. اگر تعدادشان از خطها بیشتر بود، او شیرها را برمی دارد و گرنه به تعداد شیرها باید سکه بدهد.

شار (Şar)

تيله بازی با تيله فلزی. در آذربایجان به تيله فلزی که از داخل بلبرینگ درمی آید، شار می گویند.

شاققی شاققی (Şaghghī şaghghī)

نوعی بازی دو نفره کودکانه در خوی. دو بازیکن روبروی هم می ایستند. و دستهای هم را می گیرند. اولی با دست راست دست چپ دیگری را و با دست چپش دست راست او را. هر دو باهم می گویند: «شاققی شاققی، ایمام حاققی، شاققینی بنله دوندر لر.» با گفتن این جملات آنها بدون اینکه دستانشان را رها کنند، بر می گردند و پشت به پشت هم می ایستند و سرها بر بالای سرها قرار می گیرد. دوباره آن جملات را می گویند و دوباره می چرخند و اینکار را بارها تکرار می کنند.

شاه وزیر (Şah vəzir)

شاه و وزیر نوعی بازی دسته جمعی که با یک قوطی مکعب شکل همچون قوطی کبریت انجام می گیرد که در شش ضلع آن اسامی همچون شاه، وزیر، دلقک، رعیت، جلاد و زندانی نوشته می شود و این قوطی به ترتیب بین نفرات حاضر چرخانده می شود و هر کس بسته به نوبت خود قوطی کبریت را همچون تاس می اندازد. اگر شاه در آمد شاه می شود. اگر وزیر در آمد وزیر می شود. اگر جلاد در آمد جلاد می شود. و... هر کسی که شاه شد به شخص جلاد دستور می دهد تا بوسیله یک کمر یا شلاق

بازیهای محلی آذربایجان / ۸۱

زندانی را مجازات کند و همچنین دلقک مجبور است به نوعی شاه را بخنداند و ... بدین ترتیب با چرخاندن قوطی کبریت، منصب افراد نیز تغییر کرده و بازی تداوم می‌یابد.

در نوع تورنا ورودو این بازی آشیق یا قاب را بجای کبریت استفاده می‌کنند. نفر اول قاب را می‌اندازد. اگر جیک بیفتد، دزد می‌شود. اگر بوک باشد، او تماشاچی خواهد بود. اگر شاه باشد، شاه و اگر وزیر بیفتد وی وزیر خواهد شد. بدین ترتیب یک شاه، یک وزیر و یک دزد و تعدادی تماشاچی وجود دارند. وزیر از شاه می‌پرسد که: «قربان دزدی دستگیر کرده ایم، چه امری دارید؟» شاه می‌گوید: «قیزیل» (طلا). که در این حال نوک طناب یا شلاق را گره زده و با ضربه های محکم به دست دزد می‌زنند و اگر شاه بگوید «پامبیق» (پنبه). در این هنگام وزیر چند ضربه به دست دزد می‌زند و سپس باز قاب را می‌اندازند.

شکرپنیر (Şəkər pəni)

نوعی بازی سرگرمی کودکان. یکی از بازیکنان در وسط قرار می‌گیرد و سایرین دور او دایره می‌زنند، می‌چرخند و می‌خوانند: «مادر جان اینجا شکرپنیر می‌پزند.» سپس بزرگی، کوچکی آن را با دور شدن و نزدیک شدن به هم و دور کردن و نزدیک کردن دستهایشان مشخص می‌کنند. سپس خطاب به بازیکن وسط می‌گویند: «روی پا بلند شو و هیکلش را نگاه کن و هر کس را که خواستی انتخاب کن.» بازیکن وسطی می‌ایستد و یکی از بازیکنان را انتخاب می‌کند و به جای خود می‌نشانند. این بازی برد و

شوبی (Şobi)

نوعی بازی دسته جمعی در خیابان و ایلات شاهسون. مقداری تپاله را در یک میدانچه جمع می‌کنند. بازیکنان چوبهای خود را که تعداد آنها باید مساوی باشد، در دست گرفته و سعی می‌کنند طوری آنها را پرتاب کنند که توی تپاله‌ها را راست قرار بگیرد. کسی که بتواند چوبهایش را راست فرو کند، برنده شناخته می‌شود.

شیب یزد

نوعی بازی سرگرمی دسته جمعی در میانه. بازیکنان یک گودال به ارتفاع ۵ سانتی متر می‌کنند. داخل گودال آب ریخته و صبر می‌کنند تا خاک آن نرم شود. اولین بازیکن، یکی از چوبهایش را داخل گودال فرو می‌کند. نفر بعدی باید چوبش را با ضربه قوی و نشانه گیری دقیق، طوری در گودال فرو کند که در اثر فشار وارد آمده، چوب قبلی از گودال بیرون بیفتد و در این صورت این چوب افتاده، متعلق به خود او خواهد بود. فردی که چوبش را از دست داده، باید چوب دیگری را در گودال بکارد. کسانی که دقیقتر بوده اند، صاحب چوبهای بیشتری خواهند شد.

شیش قوم (Şiş ghum)

نوعی بازی گروهی در مرند. افراد به دو دسته تقسیم می‌شوند و زمین را هم به دو قسمت مساوی بخش می‌کنند. هر گروه در زمین خود مستقر می‌شود. خط وسط زمین حریم خوانده می‌شود. بازیکنان به صورت حمله و گریز به داخل زمین طرف مقابل یورش می‌برند و عقب می‌نشینند زیرا افراد گروه مقابل هم به تعقیب آنها می‌پردازند. گاه در این جنگ و گریز، بازیکن حریف را در حریم خود نگه می‌دارند که به منزله اسیر گرفتن است. گاهی نیز اسیران را با هم معاوضه می‌کنند. بعضی اوقات زندانی موفق به فرار می‌شود. در پایان، هر گروه که اسیر بیشتری گرفته باشد، برنده نهایی است.

شیطان زولاغی (Şeytan zolağī)

نوعی بازی دسته جمعی. برای هر بازیکن در کنار دیوار زولاق (گودال) کنده می‌شود. گودالها در یک ردیف نبوده و مجتمع و نامرتب هستند. بازیکن توپ را از فاصله معینی به طرف گودال خودش می‌اندازد. اگر توپ در گودال خودش افتاد، بازیکن دومی ادامه می‌دهد ولی اگر توپ در گودال کس دیگری افتاد، صاحب گودال بر پشت بازیکن سوار می‌شود و بازیکن اول باید توپ را به گودال خودش پرتاب می‌کند و تا موفق به اینکار نشود، آن فرد از کولش پایین نخواهد آمد.

علی حیدر (Əli heydər)

نامی دیگر برای اله کلنگ. (روستای شیرین بولاق بستان آباد).

قئیقالا (Gheyghala)

نوعی بازی سرگرمی دسته جمعی در ایلخیچی. یک نفر به عنوان استاد انتخاب می شود. او مشخصات چیزی را تشریح می کند. مثلاً اگر درباره پرنده ای صحبت می کند، از اندازه، صدا، خوراک، محل زندگی و ... اطلاعاتی به بازیکنان می دهد. بعد شروع می کند به دور بازیکنان چرخیدن و دست خود را بر شانه یکی از آنان می زند. این بازیکن باید بتواند نام پرنده مورد نظر را بگوید. اگر درست گفت، استاد شلاق را به او می دهد و او با شلاق بازیکنان را دنبال می کند و آنها را می زند. اگر در وسط بازی فراموش کرد نام را بگوید، بازنده است. بازیکنان شلاق را از دست او می گیرند و او را می زنند. مگر آنکه خود را به استاد برساند و در پشت او پناه بگیرد.

قاتار قویماق (Ghatar ghoymagh)

نوعی بازی دونفره با تخم مرغ آب پز. دو نفر تعدادی تخم مرغ را به ردیف روی زمین می گذارند. بازیکن اولی تخم مرغ اول را بر می دارد و آن را پایین نگه می دارد. بازیکن دومی تخم مرغ بعدی را برداشته و با آن تخم مرغ اولی را می زند. اگر شکست، تخم مرغ نصیب دومی خواهد شد و بازیکن اولی باید تخم مرغ دیگری را برداشته و پایین قرار بگیرد.

قاچان قاچان (Ghaçan ghaçan)

بازی بدوبدو. یکی از بازیکنان گرگ می شود و به دنبال سایر بازیکنان می دود. در یک نوع از این بازی اولین نفری که توسط گرگ گرفته شود،

بازیهای محلی آذربایجان / ۸۵

باید جای گرگ را بگیرد ولی در نوع دیگر گرگ تا همه بازیکنان را نگیرد، بازی تمام نمی شود.

قاجیشماق (Ghaçışmagh)

مسابقه دو سرعت.

قاریش آتماق (Ghariş atmagh)

نوعی بازی دو نفره با سکه. بازیکنان سکه های خود را روی زمین می چینند و بازیکن اولی در فرصتی مناسب و با توجه به طرز چینش سکه های حریف، سکه خود را بطرف سکه او پرتاب می کند. اگر سکه تا فاصله یک و جب یا کمتر آن سکه برسد، آن سکه نصیب بازیکن اول خواهد شد و گرنه به حریف خواهد رسید.

قالا قالا (Ghala ghala)

نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان دو دسته می شوند و دو دسته دستها را به هم می دهند و مقابل هم صف می بندند. با شروع بازی هر گروه در حالی که سعی می کند، یکپارچه بماند، به گروه مقابل حمله می کند و تلاش می کند بازیکنان گروه مقابل را به حصار خود (زمین خود) بکشد. هر گروه که بتواند یکی از بازیکنان حریف را دستگیر کند، به زمین خود عقب می نشیند و یار دستگیر شده را به گوشه ای می برد تا آزاد کردن او توسط دوستانش به راحتی شدنی نباشد. در این حال یاران حریف باید از سد

۸۶ / بازیهای محلی آذربایجان

دستهای به هم پیوسته آنها بگذرند. گاه یارانی که برای نجات دوست خود می آیند، خود نیز گرفتار می شوند. بعضی اوقات گروه یورش برنده نه تنها دوست خود را آزاد می کنند، بلکه موفق می شوند یکی از یاران حریف را به اسارت بگیرند.

قایتارما (Ghaytarma)

یک بازی دو نفره با چیل و دسته. یک نفر چیل را با چوب پرتاب می کند. اگر دیگری چیل را با چوبش بزند، این بار او چیل را به طرف مخالف پرتاب خواهد کرد. وگرنه نفر اول ادامه می دهد. کسی که دیگری را بیشتر از مکان اولیه دور کرده باشد، برنده است.

قایش قویما (Ghayış ghoyma)

نامی دیگر برای بازی قایش گوتدو در خوی.

قایش گوتدو (Ghayış götdü)

نام یک بازی دسته جمعی با کمربند. بازیکنان در دو گروه سامان می یابند. دایره ای کشیده و گروه اول در داخل دایره قرار می گیرند. چند کمربند را طوری قرار می دهند که سگک آنها روی خط و بقیه آنها بیرون از دایره باشد. افراد گروه داخل کنار کمربندها می ایستند و افراد گروه دوم سعی دارند، کمربندها را بردارند. افراد گروه اول می کوشند بدون اینکه از دایره خارج شوند، آنها را با لگد بزنند. اگر بازیکنی از بیرون موفق به

بازیهای محلی آذربایجان / ۸۷

برداشتن کمر بند شود، شروع به زدن افراد داخل می کند و آنها نباید از دایره خارج شوند. در عوض آنها نیز می کوشند تا نفرات بیرونی را به داخل دایره کشیده و بگیرند.

قایشین ایچ اوزو (Ghayışın İç üzü)

نوعی بازی دونفره با کمر بند در خوی. بازیکن اولی کمر بند را بصورت مارپیچی در دستانش حلقه کرده و دو سر کمر را در دستش می گیرد. دیگری باید با دقت در مسیر مارپیچهای کمر، طرف داخل کمر را پیدا کند و چوبی کوچک در آنجا فرو کند. بازیکن اولی کمر بند را به آرامی باز می کند و اگر چوب داخل بود که بازیکن دومی برنده است و در غیر اینصورت بازی ادامه می یابد.

قجه مه داش (Ghəcəmə daş)

نام نوعی بازی با سنگریزه در خوی. شکل این بازی تقریباً همانند بازی بئش داش است ولی قواعد و مراحل آن متفاوت است.

قله شک (Ghələşək)

نوعی بازی دسته جمعی با قاپ. بازیکنان هر کدام قابهای خود را به پهلو روی زمین می گذارند. بازیکن اولی پا را روی آنها گذاشته و ساقهای خود را به دورتر می چرخاند. اگر ایستاد، از آنجا قابهای دیگران را می زند. هر کدام که جیک شدند، نصیب او خواهند شد و گرنه بازی با دیگران ادامه خواهد یافت.

قورت قویون (Ghurt ghoyun)

نوعی بازی نمایشی در سراب. در این بازی حدود ۲۰ نفر شرکت می‌کنند. چوپان به همراه سگها، گوسفندان (قویونلار) را به صحرا می‌برد. دو قورت (گرگ) کمین می‌کنند و تا چوپان برای نماز خواندن به مسجد می‌رود به گوسفندان حمله می‌کنند. چوپان با صدای بلند الله اکبر می‌گوید و سگها را خبر می‌کند. سگها با گرگها درگیر می‌شوند و مردم هم به کمک می‌آیند و گوسفندان را از دست گرگها نجات می‌دهند.

قوش دئمک (Ghuş demək)

نام نوعی بازی دسته جمعی است مانند بازی «گتدی گله ها گتدی گله». با تغییرات جزئی.

قوش منده (Ghuş mändə)

نام نوعی بازی دسته جمعی. یکی از بازیکنان به دیگری می‌گوید: «او قوشا باخ» (آن پرنده را ببین) وقتی او سر برگرداند، بازیکن اولی یک پس گردنی به او می‌زند و می‌گوید: «قوش منده». (پرنده پیش من) بعد می‌دود. آن فرد سعی دارد او را بگیرد. دیگری او را می‌زند و می‌گوید: «منده» (پیش من) و همینطور بازی ادامه پیدا می‌کند تا بازیکنی که پس گردنی خورده، بتواند یکی از آنها را بگیرد.

قول توتما (Ghol tutma)

یک نوع بازی دو نفره. بازیکنان روبروی هم می ایستند یا می نشینند و دو دست خود را در هم گره می اندازند و قرار می گذارند که چه مقدار از دست حریف را باید به زمین برسانند تا برنده شناخته شوند. آنگاه هر بازیکن تلاش می کند دست بازیکن حریف را به همان میزان تعیین شده به زمین بمالد.

قوناق باجی (Ghonagh baci)

مهمان بازی. نام نوعی بازی کودکانه که بیشتر در میان دختر بچه ها اجرا می شود.

قونا قویدو (Ghuna ghoydu)

نوعی بازی دسته جمعی در مرنند. گودالی به نام قونا می کنند و بازیکن اول دسته های بادام را از دور به طرف گودال پرتاب می کند. اگر بیشتر از نصف بادامها در گودال افتادند همه را بر می دارد و برمی گردد و دیگری ادامه می دهد ولی اگر کمتر باشد، آنها را که در گودال نیفتاده برمی دارد و بقیه را در گودال باقی می گذارد. این بادامها نصیب بازیکنی خواهند شد که بیشتر از نصف بادامهای دستش را به گودال بیندازد.

قوندوم قوندوم (Ghondum ghondum)

نوعی بازی در قاضی جهان توفارقان. این بازی دو نفره بوده که با تقسیم سه عدد سنگ ریز و سه عدد چوب کوچک بین این دو نفر انجام می‌پذیرد. ابتدا روی زمین خاکی، مکعب مربعی بطول ۲۰ سانتی متر ترسیم می‌شود که هر نفر به نوبت در تقاطع این شکل، سنگ و یا چوب را جا گذاری می‌کند که در صورت غفلت یک نفر و تیزهوشی فرد دیگر اگر سه چوب و یا سه عدد سنگ بصورت ضربدری و یا بصورت طولی و یا عرضی قرار گیرند، در اینصورت به صاحب برنده یک امتیاز داده می‌شود که در صورت جمع امتیاز ۲۰ توسط یک نفر آن شخص برنده بازی خواهد بود. این بازی را در تبریز قوندوم کوچدوم می‌نامند.

قوووالا قاجدی (Ghovala ghaçdi)

یک نوع بازی معمولاً دو نفره. یک بازیکن دوستش را دنبال می‌کند. اگر او را بزند، بازیکن دومی، اولی را دنبال خواهد کرد و به همین ترتیب بازی تا زمان خسته شدن بازیکنان ادامه خواهد یافت. این بازی در مرند به ترتیب ذیل انجام می‌شود:

بازیکنان به دو گروه تقسیم می‌شوند و به فاصله ۵۰ متری از هم صف می‌بندند. از یکی از دسته‌ها، یک نفر به طرف گروه مقابل می‌رود و یکی از بازیکنان را می‌زند و به طرف گروه خود فرار می‌کند. بازیکن خورده باید او را تعقیب کند. اگر موفق به گرفتنش شود، برنده است. اگر نتواند او را بزند و او به دست خود برسد، خود او بازی را باخته است. برد و باخت‌های

بازیهای محلی آذربایجان / ۹۱

افراد هر دسته حساب می‌شود و گروهی که بازیکنان برنده بیشتری داشته باشد، برنده بازی است و افراد آن گروه از گروه مقابل کولی می‌گیرند و این جمله را تکرار می‌کنند: «آرپا آرپا امان قوشی قوشی»

قیدیلانما (Ghīdīlanma)

نوعی بازی دسته جمعی با بادام. بازیکن اولی چند بادام در مشت می‌گیرد و انگشت اشاره را بر زمین می‌گذارد. دیگر بازیکنان هر کدام تعدادی بادام در مشت می‌گیرند. بازیکن اولی مشت خود را باز می‌کند و دیگران نیز باز می‌کنند. اگر تعداد بادامهای نفر اول فرد بود، او کسانی را که بادامهایشان فرد است می‌برد و بادامهایشان را می‌گیرد ولی به کسانی که بادامهایشان زوج است، می‌بازد و باید به تعداد بادامهایشان، به آنها بادام بدهد.

قییش بازی (Ghəyiş bazi)

نگا. قاییش گوتدو. (گوییش میانه).

قییش قییش (Ghəyiş ghəyiş)

نگا. قاییش گوتدو. (گوییش تیکمه داش). قاییش قاپدی نیز می‌گویند.

کباب کباب (Kəbab kəbab)

نوعی بازی - سرگرمی ۲ نفره. دو بازیکن روبروی هم می‌نشینند. یکی از آنها دستهای خود را پیش می‌آورد و بازیکن دیگر دستهایش را روی دستهای او می‌گذارد. کسی که کباب پز است (یعنی دستهایش در زیر قرار دارد) باید با سرعت دستش را از زیر کباب بکشد و محکم روی کباب بکوبد. اگر موفق شود، جای کباب پز با کباب عوض می‌شود و بازی ادامه می‌یابد.

کلک توپ (Kələk top)

نامی دیگر برای هفت سنگ. (گوش تیکمه داش).

کور (Kör)

نوعی بازی دسته جمعی در مرنند. بازیکنان به دو دسته تقسیم می‌شوند و دایره ای رسم می‌کنند. گروهی در داخل و گروهی در خارج دایره قرار می‌گیرند. افرادی که در خارج دایره هستند، به داخل یورش می‌آورند و افراد داخل سعی می‌کنند با دست آنها را بزنند. هر کس بخورد، کشته به حساب می‌آید و از بازی خارج می‌شود. گاهی یکی از بازیکنان داخل دایره به تعقیب بازیکن بیرون دایره می‌پردازد. در این حالت اگر یکی از بازیکنان خارج دایره با کشیدن کلمه «کور» به دور دایره بدود، بازیکنی که از دایره خارج شده کشته می‌شود و باید از بازی خارج شود. در این فاصله اگر بازیکنی بتواند با کشیدن «کور» ممتد وارد دایره شود، همه بازیکنان درون

کورد گلدی (Kürd göldi)

نوعی بازی کودکانه در برخی روستاهای خوی. این بازی در فصل تابستان انجام می‌شود. کودکان روی زمین نشسته و پاهایشان را از هم باز می‌کنند. آنان پشته‌ای از خاک را میان پاهایشان جمع می‌کردند و با دست بر آن می‌کوبند و دسته جمعی با تداوی کردن صدای پای اسبان می‌گویند: «کورد گلدی، کورد گلدی».

کوس آغاج (Kos ağac)

نوعی بازی دسته جمعی. قواعد این بازی تقریباً شبیه پیل دسته است. در زمین بازی به فاصله‌های معین تعدادی چاله کوچک حفر می‌کنند. تعداد چاله‌ها باید یکی کمتر از تعداد بازیکنان باشد. به قید قرعه فردی را که باید دنبال توپ بدود، انتخاب می‌کنند. بازیکنان با چوبدستی از چاله‌های کوچک و چاله بزرگ محافظت می‌کنند تا نگذارند بازیکن بدون چاله، توپ را به درون چاله بزرگ یا چاله‌های کوچک بیندازد. کسی که به دنبال توپ می‌دود، اگر موفق شود توپ را به داخل چاله بزرگ بیندازد، بین بازیکنان صاحب چاله قرعه کشی می‌شود (همه چوبدستهای خود را به طرف توپ پرتاب می‌کنند، هر کس موفق نشد با چوبدستی خود توپ را بزند جایش را با بازیکنی که توپ را به داخل چاله انداخته، عوض می‌کند). اگر بازیکن موفق شود توپ را به داخل یکی از چاله‌های بزرگ

کوشکی بازی (Köşki bazi)

نوعی بازی گروهی. در بین جمع، ۵-۷ نفر که قوی تر هستند، یک حلقه می زنند و دستهایشان را روی شانه های هم قرار می دهند. ۳-۵ نفر دوم روی دوش آنها می ایستند و به همان ترتیب عمل می کنند و حلقه سوم که ۲-۳ هستند، به همان ترتیب در بالا قرار می گیرند. این گروه با این آرایش فلوت می زنند و می چرخند.

کوف اوچماق (Küf uçmagh)

تاب بازی.

کوفله کوفله (Küflə Küflə)

نوعی بازی نمایشی در توفارقان. فردی ساده را انتخاب می کنند و نام کوفله را بر او می گذارند. دو بازیکن پشت به پشت خم می شوند و دستها را بر زانو می گذارند. کوفله هم زانو می زند و سرخود را زیر پای دو بازیکن می گذارد. با اشاره استاد حضار یکی یکی می آیند و بر پشت کوفله سوار می شوند و سر خود را بر گردن او می گذارند و معلق می زنند. این بازی تا جایی ادامه پیدا می کند که کوفله از بازی خودداری می کند. این بازی را در مرنند اوچ یاستیق می نامند.

کوله قوپپا (Külə ghuppa)

نام نوعی بازی چند نفره که در هنگام درو انجام می‌شود. این بازی را که شبیه گل یا پوچ است، گروه دروگران در صحرا بازی می‌کنند. یک نفر برگ را از علف می‌کند. همه چشمه‌ایشان می‌بندند. او برگ را زیر کپه‌ای می‌گذارد. هر کس بتواند برگ را پیدا کند، مقداری به او علف آلاق می‌دهند.

گتدی گله ها گتدی گله (Getdi gələha getdi gələ)

یک بازی دسته جمعی در خوی. یک نفر به عنوان ملا انتخاب می‌شود. او را جایی بلند یا کنار دیواری می‌نشیند. بازیکنان دیگر نیز در مقابل او دایره وار چمباتمه می‌زنند. به نفر اولی یک کمر بند می‌دهد. ملا به آرامی به بازیکن کناری خود مشورت می‌کند و با در نظر گرفتن یک پرنده، می‌گوید: «بیر قوشوم وار بو قدده نه» (یک پرنده دارم به این قد) با دست اندازه پرنده را نشان می‌دهد. بازیکنان همه یکصدا می‌گویند: «گتدی گله ها گتدی گله» (رفت بیاید ها رفت بیابد) ملا می‌گوید: «دیمدیگی وار بو قدده نه» (منقاری دارد به این قد) دستانش را به اندازه منقار پرنده نشان می‌دهد. بازیکنان همه یکصدا می‌گویند: «گتدی گله ها گتدی گله». بدین ترتیب ملا، مشخصات پرنده را ارهنمایی می‌کند و در پایان می‌گوید: «تاپین گورک» (پیدا کنید ببینیم). بازیکنان و در ابتدا کسی که کمر بند را در دست دارد، جواب می‌دهد. اگر پاسخ درست نباشد، مثلاً بگوید: «قاز». باید کمر بند را به قاز بدهد. اگر پاسخ درست باشد، ملا خواهد گفت: «وور»

۹۶ / بازیهای محلی آذربایجان

چاتلا سین» و او با کمر بند، دیگر بازیکنان را خواهد زد. هر زمان ملا بگوید: «پالان» بازیکنان به او حمله خواهند کرد و به زور مشت و لگد سعی خواهند کرد تا کمر بند را از او بگیرند و او خواهد کوشید خود را به ملا برساند. اگر موفق شود بازی از نو ادامه خواهد یافت. این بازی با نامهای قوش دئمک، قالاندار، قوی گله ها قوی گله نیز انجام می شود.

گوتور بور کووو ویر منی (Götü borküvü vür mənı)

کلاهتو بردار منو بزن. نوعی بازی ورزشی در ایلخچی که با ۱۵ نفر انجام می شود. یک استاد انتخاب می کنند. یکی از بازیکنان به قید قرعه در میان میدان خم می شود و دستها را به زانو می گیرد. دیگران صف می بندند و از روی او می پرند و هر کدام مصرعی از شعری بلند را می خوانند. هر یک از آنها که نتواند شعر را بخواند و یا نتواند درست ببرد، جای بازیکن خم شده را می گیرد. اما اگر همه توانستند کار خود را کامل انجام دهند، نفر آخر می گوید «گوتو بور کووو ویر منی». (خم شو کلاهت را به من بده) کسی که خم شده، کلاهش را بر می دارد و بازیکنان را دنبال می کند و هر کس را که زد، او باید در وسط خم شود و دیگران از روی پرند.

گوزده قولاق (Gözde ghulagh)

نوعی بازی سرگرمی دسته جمعی. بازیکنان از میان خود یک نفر را

بازیهای محلی آذربایجان / ۹۷

گرگ می‌کنند و دستمالی به دست او می‌دهند. باقی بازیکنان روی زمین به شکل دایره می‌نشینند. گرگ شروع به چرخیدن می‌کند و دستمال را پشت سر یکی از بازیکنان که نشسته است می‌گذارد و فرار می‌کند. سپس یک دور، دور دایره می‌چرخد و وقتی به پشت بازیکن می‌رسد، دستی به شانه او می‌زند و او را از دایره بیرون می‌آورد و خودش جای او می‌نشیند. اما اگر بازیکن متوجه شود که گرگ دستمال را پشت سر او گذاشته است، بلند می‌شود و گرگ را دنبال می‌کند و قبل از اینکه گرگ به جای او برسد او را می‌زند. در این صورت گرگ همچنان در نقش خود باقی می‌ماند و بازیکن به جای خود باز می‌گردد.

گوزو باغلیجی (Gözü bağlicı)

چشم بندی. نوعی بازی - سرگرمی چند نفری. یکی از بازیکنان گرگ می‌شود. چشم او را می‌بندند و چند دور او را دور خودش می‌گردانند، سپس او را رها می‌کنند. در این بازی روی چند نکته باید توافق شود: اول اینکه بازیکنان دیگر برای جلب توجه گرگ سر و صدا بکنند یا در سکوت خود را از مسیر گرگ دور کنند. دوم اینکه گرگ پس از گرفتن یک نفر چشمش را باز کند یا پس از گرفتن همه بازیکنان.

گوگ آتدی (Göy atdı)

یک نوع بازی دسته جمعی. همه در یکجا جمع می‌شوند و یک نفر در

۹۸ / بازیهای محلی آذربایجان

میانه توپی را در دست گرفته و به آسمان پرتاب می کند. وقتی توپ به آسمان پرتاب شد، بقیه به اطراف می گریزند. چون آن شخص توپ را گرفت فریاد می زند: «ایستوپ» و همه هرجا که باشند باید بی حرکت بمانند. آن فرد با توپ آنها را نشانه می گیرد و می زند. اگر توپ به یکی از آنها بخورد، بازی دوباره شروع می شود و او باید توپ را به آسمان پرتاب کند.

گول گول (Gül gül)

گل یا پوچ. در این بازی نفرات موجود به دو دسته تقسیم می شوند اگر نفرات ۸ نفر باشند به دو دسته ۴ نفره تقسیم می شوند و اگر ۷ نفر باشند به دو دسته ۳ نفره تقسیم می شوند و نفر هفتم بعنوان «ریحان و مرضیه» به هر دو گروه صاحب بازی می پیوندد و در صورت باخت گروهی به گروه روبرو می پیوندد. در این بازی چیزی همچون لویا یا نخود را به عنوان «گل» در نظر گرفته دسته ای آنرا در یک دست قایم می کند و برای رد گم کردن همه مشت هایشان را بسته و به جلو می آورند. حریفان با حدس و گمان گلی را که قایم گردیده، پیدا می نمایند برای اینکار چنین می گویند: «یا بوندادیر یا اوندا. حالوا چی دو کائیندا. ننه م دئدی آل بوندان»

هنگام تکرار این کلمات دست راست یکی از رقبا روی دستان بسته شده می چرخد. اگر توانست گل را پیدا کند در این صورت بازی از گروه اول به گروه دوم منتقل می شود در غیر اینصورت یک امتیاز به گروه اول داده شده و بازی بوسیله گروه اول ادامه می یابد.

گیردکان (Girdəkan)

گردو بازی. این بازی به انحای مختلف و قواعد گوناگون بازی انجام می شود. گاهی چند گردو را در یک ردیف و چسبیده به هم می چینند و بازیکنان با گردوی مخصوص خود که معمولاً سنگینتر و خوشدست تر است و «ساققا» نام دارد، می کوشند تا آنها را بزنند. معمولاً گردو را روی زانو می روند و با انگشت وسط آن را پرتاب می کنند. یا اینکه «ابه» یا گودالی می کنند و مانند بازی گلف می کوشند تا گردو را به داخل آن بیندازند.

گیزلن پانچ (Gizlən panc)

در این بازی تعداد نفراتی که گرد هم آمده اند ابتدا یک نفر را با قرعه انتخاب می نمایند تا چشمهایش را بسته و رو به دیوار بایستد و جایی را نگاه نکند. سپس بقیه نفرات آرام و بی سروصدا خود را در پشت بوته ها، درختان، چاله ها و نقاطی دور از دید فردی که چشمان خود را بسته، پنهان می سازند و فرد چشم بسته شروع به شمردن کرده و هر از گاهی صدا می زند: «گلیم» (بیایم) اگر فردی نتوانسته خود را قایم سازد فریاد می کند «گلمه» (نیا) و در غیر اینصورت نفر چشم بسته اگر صدایی نشنود مطمئن می شود که همه قایم شده اند به اطراف سرک کشیده و به محض رؤیت یکی از نفرات، سریعاً به جایگاه اصلی و اولیه برگشته و زودتر از آنان دستش را به دیوار می زند و می گوید: «شوبه، سنی گوردوم» اگر این فرد بتواند همه را پیدا کرده و قبل از آنها خود را به جایگاه پیش بینی شده

۱۰۰ / بازیهای محلی آذربایجان

برسانند نفرات دیگر برای انتخاب فردی بجای وی، مخفیانه برای خود اسامی را مشخص می کنند مثلاً برای تک تک افراد اسامی گلهای مختلف را گذاشته و به نزد این فرد می آیند و نام گلها را می شمارند. اسم هر گلی را که این فرد انتخاب کند آن فرد بجای وی مجبور خواهد شد چشمان خود را ببندد تا دیگران دوباره قایم شوند. چنانچه افراد هیچکدام پیدا نشده و یا قبل از آنکه دیده شوند خود را به جایگاه معین شده برسانند. فردی که چشم خود را بسته بود، مجبور است دوباره چشمانش را ببندد تا دوباره بازی پیگیری شود. همچنین اگر موفق شود عده ای را پیدا نماید و عده ای قبل از دیده شدن، خود را به جایگاه تعیین شده برسانند. قرعه کشی جهت چشم بندی بین نفراتی انجام می پذیرد که دیده شده اند.

این بازی را با نامهای دیگری گیزلن تاب، گیزلن باش، گیزلن باخ و شوبه شوبه نیز بازی می کنند.

لاپاق (Lapagh)

نام دیگری برای بازی کباب کباب با این تفاوت که اگر بازیکنی روی دست بازیکن دیگر بزند، یک سیلی هم به او خواهد زد. (گوش روستای بیرقواوا بستان آباد).

لوپوک قاج (löpük ghac)

نوعی بازی دسته جمعی. دایره ای می کشند و در خط کوچک وسط

بازیهای محلی آذربایجان / ۱۰۱

آن چند سنگ گرد می گذارند و نفر اول پا روی خطی می گذارد که کمی با فاصله از خط دایره کشیده شده و «باش» نام دارد. از آنجا با «لوپوک» سنگ را می زند. هر بازیکن یک یا چند سنگ دارد. هر کس ببازد و موفق به زدن سنگها نشود، باید «زیتی» بدهد یعنی خم شود تا برنده با زانویش به باسن او بزند و همه بخندند. نوع دیگری از این بازی با گردو انجام می شود که در این شکل گردوها را در یک خط می چینند و با گردو یا تیله آنها را نشانه گیری می کنند.

لوس (Los)

نام نوعی بازی دسته جمعی در تیکمه داش. در قاعده مانند بازی تووخان است ولی برای بیرون انداختن گردو دو نوع پرتاب از نزدیک وجود دارد: ۱- شاق وورماق. ۲- لوس قیرماق. در شاق وورماق باید قاب را از فاصله دورتری بیندازند ولی در لوس قیرماق درست از نزدیک گردو چنان قاب را به گردش می آورند که گردوها را از صحنه بیرون کند.

لی لی حوزک (Li li hozək)

یک بازی دونفره که انواع مختلفی دارد. یکی از آنها انگشتان خود را باز می کند و دیگری انگشت شست او را گرفته و می گوید: «بیا بریم دزدی»

انگشت دوم می گوید: «کو نردبان؟»

انگشت سوم: «نردبانی بزرگتر از این؟»

۱۰۲ / بازیهای محلی آذربایجان

انگشت چهارم: «کار خوبی نیست. انصافی هست. مروتی هست.»
انگشت پنجم در حالی که ادای چهارمی را در می آورد و مسخره اش می کند و می گوید: «برو برو»

ماتیلوس (Matilus)

نوعی بازی سرگرمی گروهی در اورمیه. شکل و قواعد این بازی تقریباً شبیه هاقیشقا است. با این تفاوت که در این بازی بازیکنان همه در یک گروهند و یک نفر به قید قرعه گرگ می شود. بازیکنان همه در داخل محوطه قرار می گیرند و گرگ به صورت لی لی در محوطه آنها را دنبال می کند. بازیکنان حق ندارند از محوطه خارج شوند و گرگ هم حق ندارد پایش را زمین بگذارد یا مکث کند. اگر توانست کسی را بگیرد آن فرد گرگ می شود. قبل از شروع بازی، گرگ باید با گفتن «ماتیلوس» آماده باش بدهد و بازیکنان با تکرار واژه «لای بکوس» اعلام کنند.

ماچالیشقا (Maçalişgha)

نوعی بازی - سرگرمی در خیابان و ایلات شاهسون. قواعد و طرز اجرای این بازی کاملاً شبیه بازی هاقیشقا است.

مازالاق آتماق (Mazalagh atmagh)

مازالاق در زبان ترکی به فرقه ای چوبی گفته می شود که به شکل

بازیهای محلی آذربایجان / ۱۰۳

گلابی است. این فرفره را از چوب گردو می ساختند. معمولاً یک عدد پونز یا میخ بر نوک آن زده می شود تا بهتر بچرخد. بچه ها هر کدام مازالاقی در دست دارند. نخ محکم و غالباً پلاستیکی را با دقت به دور آن گردانده و سر آن را در دست می گیرند و سپس با مهارت مازالاق را بر زمین پرتاب کرده و در همان حال طناب را می کشند قدرت کشش نخ باعث می شود که مازالاق در زمین بچرخد. هر کدام که بتواند آن را بیشتر و بهتر به چرخش در آورد، برنده است.

مازی (Mazi)

تيله بازی. در برخی جاهای آذربایجان به تيله شیشه ای، مازی گفته می شود.

ماژر (Majer)

نام نوعی بازی با سکه در سراب. چند سکه بر زمین می گذارند و با سکه آنها را طوری می زنند که سکه به آنها بخورد. اگر چنین شود می گویند: «ماژر». یعنی برنده و شخص زننده همه سکه ها را بر می دارد.

ماللا میندی (Malla mindi)

نوعی بازی دسته جمعی در تیکمه داش. بازیکنان دو گروه می شوند.

۱۰۴ / بازیهای محلی آذربایجان

یک دایره می کشند. گروه اول داخل دایره می شوند یک ملا دارند. گروه دوم از بیرون دایره سعی دارند بر پشت افراد گروه اول بپرند. ملا دور افرادش می گرد و مانع اینکار می شود. اگر افراد بیرونی بتوانند روی ملا سوار شوند، سوار دیگران هم خواهند شد. کسی که روی دیگری سوار شده اگر به زمین بیفتد باید به سرعت فرار کند و گرنه اولی او را می زند و اگر بزند می سوزد و جای گروهها عوض می شود.

مبه ده قالدی (Məbədə ghaldı)

نام نوعی بازی دسته جمعی. چهار نفر داخل یک نفر جمع می شوند. چهار نفر دیگر آن طرفتر می ایستند و توپ را به طرف آنان پرتاب می کنند. نفرات داخل دایره سعی می کنند توپ را بزنند. اگر در حالی که داخل دایره اند توپ را بزنند، برنده اند ولی اگر کسی پایش از دایره بیرون شود و توپ را بزند، می سوزد و باید بیرون برود.

مثقالا کسمک (Misghala kəsmək)

یک نوع سرگرمی برای بزرگسالان با هندوانه. دو نفر شرط می کنند که هندوانه را طوری از نصف ببرند که دو نیمه آن بیشتر از ۵ مثقال تفاوت نکند. هر کس که موفق شود هندوانه را صاحب می شود.

مره کوچدوم (Mərə ködüm)

این بازی کودکانه نیز با گردو، فندق و یا سنگ انجام شده و آنها سعی

بازیهای محلی آذربایجان / ۱۰۵

می کنند آنها را به طرف چاله ای پرتاب کنند.

میندی میندی (Mindi mindi)

نام نوعی بازی دسته جمعی و معمولاً ۸ نفره. چهار نفر بر پشت چهار نفر دیگر سوار می شوند و بر گرد دایره ای بزرگ می ایستند و یک توپ کوچک را به همدیگر پرتاب میکنند. اگر توپ به زمین افتاد، سوار شده ها بر زمین می پرند و فرار می کنند و دیگران باید توپ را برداشته و با توپ آنها را بزنند. اگر موفق به اینکار شوند، جای نفرات عوض می شود.

نارداناسی (Narsdanasi)

یک نوع سرگرمی با انار. چند نفر قرار می گذارند طوری انار بخورند که حتی یک دانه از آن بر زمین نیفتند.

ناقیشلی (Naghghişli)

نام دیگر برای بازی هاقیشقا. (گوش تبریز و بستان آباد). این بازی را قانیه نیز می گویند.

نایناقیحی (Naynaghghicī)

نام دیگر برای بازی هاقیشقا. (گوش تیکمه داش و قره چیمن).

نومرت (Nümrət)

یک بازی دسته جمعی با نومرت. درپوش فلزی نوشابه را نومرت

۱۰۶ / بازیهای محلی آذربایجان

می گویند. داخل آن را با گل پر کرده و به زمین می ساینند تا خشک و صاف شود و گل در داخل درپوش محکم شود. سپس دایره ای می کشند و بازیکنان به تعداد خود در خط میانی نومرت می گذارند. سپس به نوبت با نومرت خود از روی خط کناری با انگشتانشان، طوری نومرت را روی زمین می لغزانند تا به نومرتهای وسط دایره بخورد و آنها را از دایره بیرون بکند. اگر نومرت از دایره خارج شود و یا به حدی به خط دایره نزدیک شود، که بتوان فاصله میان آن و خط را با وجب پر کرد، آن فرد برنده است.

وردنه آغاج (vərdənə ağac)

یک بازی دسته جمعی. چند نفر چوبی دارند. یک نفر آنها را جمع می کند و چوبها را به پشت سر خود پرتاب می کند. هرکس که چوبش نزدیکتر به آن شخص باشد، از روی چوبها می پرد، و بقیه نیز به همین ترتیب. چشمهایش نفر آخر را می بندند و چوبی در زمین فرو می کنند و او را می زنند تا زمانی که بتواند آن چوب را با چشم بسته پیدا کند. (روستای زرین قبا تیکمه داش).

ها باخدی باخدی باخدی (Ha baxdī baxdī baxdī)

نوعی بازی - سرگرمی بزرگسالان در توفارقان. هر یک از بازیکنان دستمالی را به دهان می گیرند. به اشاره استاد بازی، همه چشمها را می بندند و سر خود را تکان می دهند و بندی را می خوانند. استاد مواظبت می کند تا مچ کسی که چشمانش را باز کرده است، بگیرد. اگر چنین کسی پیدا

بازیهای محلی آذربایجان / ۱۰۷

شد، استاد نام او را می برد و دیگران چشمها را باز می کنند و خطاکار را می گیرند و صورتش را یا با زغال سیاه می کنند یا با آرد سفید و او را می زنند تا دیگران بخندند.

هاچا مینمک (Haça minmæk)

راه رفتن با پاهای چوبی. دو چوب بلند که دارای شاخه ای در پایین هستند، مورد سواری بچه ها قرار می گیرند.

هاقیشقا (Haghışgha)

یک نوع بازی دسته جمعی در خوی. بازیکنان در دو گروه جمع می شوند. محدوده ای تعیین می کنند و یکی از گروهها در داخل و دیگری در بیرون قرار می گیرند. یکی از نفرات بیرونی، لی لی کنان نفرات داخل محدوده را دنبال می کند و می کوشد تا آنها را بزند. به هر کدام از بازیکنان که دست بزند، او باید از بازی خارج شود. چون این بازیکن خسته شد، یکی از هم تیمی هایش ادامه می دهد. اگر همه افراد داخل محدوده زده شوند، جای تیمها عوض می شود. اگر یک نفر در داخل باقی بماند و همه افراد بیرونی بیفتند، در مرحله بعدی باز تیمها در جای اول خود خواهند بود.

هفت سنگ (Həft səng)

۱۰۸ / بازیهای محلی آذربایجان

در این بازی تعداد هفت سنگ را روی هم می گذارند و بعد نفرات موجود به دو گروه تقسیم می گردند که بعد از قرعه کشی بازی را شروع می کنند. شروع کنندگان بازی (گروه اول) نوبت به نوبت تویی را به دست گرفته و به طرف سنگها می اندازند. نشانه گیری باید بادقت هر چه تمامتر انجام یابد. اگر توپ به سنگها برخورد کند باید گروه اول پراکنده شوند تا گروه دوم که رقیب هستند بوسیله توپ آنها را نزنند. خطای در زدن افراد بوسیله توپ باعث می شود فرصت مناسب برای چیدن سنگها روی یکدیگر فراهم آید. برعکس اگر گروه دوم با زرنگی تمام افراد گروه اول را توانستند بزنند و آنها تا آن لحظه نتوانستند سنگها را روی هم بچینند، بازنده شده و جای خود را به گروه دوم می دهند.

هفدیر آغاجی (Həfdir ağacı)

نامی دیگر برای بازی وردنه آغاج.

هول ایشلتمک (Hol işlətmək)

نامی دیگر برای بازی مازالاق. (گوش خوی).

هول اویناماق (Hol aynamagh)

نوعی بازی با فرفره چوبی در خوی. گودالی به نام «مات» در زمین می کنند و فرفره ای در آن می نهند و در دو متری آن خطی روی زمین می کشند. بازیکنان به نوبت باید فرفره خود را به کار انداخته، آن را توی مشت

بازیهای محلی آذربایجان / ۱۰۹

گرفته و بطرف فرفره ای که در مات قرار دارد ببرند. گاهی ممکن است که فرفره به هنگام آغاز به چرخش روی فرفره داخل مات بیفتد و برنده شود. در این حالت بازیکنان با نوک آهنی فرفره خود ضرباتی به فرفره داخل گودال می زنند و اگر آن فرفره از چوب سرو باشد، می شکنند.

هینقلیج (Hingilic)

نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان دو گروه می شوند. یک مکان امن را با دایره ای را با فاصله مشخص می کنند. نفرات گروه که معمولاً ۴ نفره هستند، روبروی هم قرار می گیرند. یکی از افراد گروه با گذاشتن پاشنه پا جلوی پنجه پای دیگری، بدون اینکه پاهای از هم فاصله یابند. یک گام بسوی حریف روبرویی برمی دارد. سپس نفر روبرویی نیز به همین ترتیب جلو می آید. وقتی آنها به هم می رسند کسی که پایش روی پای حریف بیفتد، نام یکی از نفرات گروه مقابل را می برد. بازیکنی که نامش گفته شده ، باید به سرعت بسوی مکان امن بدود. چهارنفر گروه اول می دوند تا او را بگیرد و مانع رسیدن او به مکان امن شوند. سه نفر همگروه وی نیز می خواهند تا مانع گرفتن او شوند. بدین ترتیب اگر او به مکان امن برسد، یک امتیاز برای تیمش کسب می کند وگرنه می سوزد و از گروه خارج می شود و بازی دوباره ادامه می یابد.

یاتار قالخار (Yatar ghalxar)

نامی دیگر برای بازی اله کلنگ. (روستای سیدیگک بستان آباد).

یالتان قالتان (Yaltan ghaltan)

نامی دیگر برای بازی اله کلنگ. (روستای زگلوچه بستان آباد).

یئر پیشتچی (Yer pişitçi)

نام نوعی بازی دسته جمعی. یک گروه می نشینند و گروه دیگر بر گرد آنها می گردند. یک «ابه» نیز در فاصله ای معین در نظر می گیرند. گروهی که سرپاست سعی دارد با دست بر سر نفرات نشسته بزنند اگر یکی از آنها موفق به اینکار شود، می دود تا خود را به ابه برساند. چون او به طرف ابه دوید یکی از افراد گروه نشسته سعی دارد او را بگیرد. نفرات گروه ایستاده او را می زنند اگر نفر جلویی به ابه برسد یک امتیاز به تیم او تعلق می یابد. نفرات نشسته نیز سعی دارند با پاهایشان پاهای نفرات ایستاده را بزنند و امتیاز بگیرند. نام این بازی در خیاو و ایلات شاهسون «پیشدیللی» است.

یئردن اوچا (Yerdən uca)

یک نوع بازی چند نفره. یک نفر به عنوان به عنوان گرگ انتخاب می شود و بقیه را دنبال می کند. بازیکنان باید دویده و یک پای خود را در جایی بلندتر از زمین مثل پله، گلدان، جعبه و نردبان و ... قرار دهند. پای هر که از زمین جدا باشد در امان است و گرگ نمی تواند او را بگیرد. البته ایستادن به آن حال هم مدت معینی دارد و باید بازیکنان مرتباً بدوند و تغییر

جا بدهند. هر که را گرگ در حال دویدن بگیرد، او گرگ خواهد شد و گرگ قبلی به جای او بازی خواهد کرد.

یئرده قالان قورد (Yerdə ghalan ghurd)

یک نوع بازی دسته جمعی. همه بازیکنان در یکجا جمع می شوند و یکبار همه باهم می گویند «یئرده قالان قورد» (هرکس جا بماند گرگ است) و با گفتن این جمله سرعت خود را به یک بلندی یا جایی که از زمین بلند است مانند پله می رسانند. هرکس که موفق نشود و جا بماند «گرگ» است. دیگر بازیکنان با دقت از جای بلند پایین می آیند و رو به او کرده می گویند مثلاً «حسن قورد، گل منی اود» (حسن گرگ، بیا مرا بخور). گرگ سعی می کند آنها را بزند و آنها باید خود را به جای بلند برسانند و این بازی به همین ترتیب ادامه می یابد تا اینکه گرگ بتواند یکی از آنان را بزند. این بازی را با نام «بالا بلندی» نیز می شناسند.

یوز پلنگ (Yuz pələng)

نوعی بازی - سرگرمی در خیابان. بازیکنان از میان خود یک استاد انتخاب می کنند. استاد روی هر یک از بازیکنان اسمی می گذارد، مثلاً اسم حیوانات. استاد سعی می کند با توجه به شباهتهای ظاهری یا رفتاری بچه ها اسمهایی را انتخاب کند. در مرحله بعد دایره ای به شعاع یکمتر در وسط زمین بازی رسم می شود و توپ در داخل آن قرار می گیرد. همه بازیکنان در حالی که یک پایشان روی خط دایره است، گوش به فرمان استاد می ایستند. به محض آنکه استاد نام یکی از بازیکنان را برد، بازیکن باید

۱۱۲ / بازیهای محلی آذربایجان

توپ را بردارد و بدون مکث، یکی از بازیکنان دیگر را در حال فرار هستند، بزند. اگر توپ را بیش از حد تعیین شده نگه دارد، خود می سوزد و اگر موفق شود کسی را بزند، فردی که توپ به او اصابت کرده از دور خارج می شود. در آخرین مرحله، فقط، دو بازیکن باقی می ماند که هر دو می خواهند حریف را از میدان به در کنند.

برنده نهایی بازی کسی است که باقی می ماند. استاد طوری اسامی را صدا می کند که فرد نتواند پیش بینی کند. مثلاً ممکن است دو بار پشت سر هم نام یک نفر را صدا کند یا به جای صدا کردن اسمی که بر او گذاشته شده، اسم اصلی او را صدا کند. در این صورت فرد نباید عکس العمل نشان بدهد و اگر حرکتی از خود نشان بدهد می سوزد و از بازی کنار می رود.

یولداش آپاردی (Yoldaş apardı)

یک بازی دسته جمعی. بازیکنان دو گروه می شوند. یک گروه در جلو و گروه دوم در پس آنها می روند. گروه جلویی دستهایشان را طوری در طرفین صورت خود می گذارند که پشت سر را نبینند. یکی از افراد گروه عقبی دست بر پشت یک نفر از افراد گروه جلویی می گذارد و به جلو می راند. دوست او که می بیند از نفر جلویی می پرسد: «یولداش سنی کیم آپاریر؟» (دوست من، چه کسی تو را می برد؟) او نام یک نفر را می گوید. اگر درست باشد هیچ وگرنه هر کس را که نام او به اشتباه گفته شده، بر کول نفر اول سوار می شود و تا مکان آغاز بازی سواری خواهد گرفت. این بازی را در گرمی مغان، «جوجه گوزو» می نامند.

یولداش گون هاردان چیخدی (Yoldaş gün hardan çixdi)

بازیهای محلی آذربایجان / ۱۱۳

نوعی بازی - سرگرمی در ایلخچی. بازیکنان به دو دسته تقسیم می‌شوند و هر یک برای خود یک استاد انتخاب می‌کنند. به حکم قرعه، افراد یکی از دسته‌ها، چشم بازیکنان دسته دیگر را می‌بندند و خود پنهان می‌شوند. بازیکنان دسته‌ای که چشمانشان را بسته‌اند، به دنبال افراد دسته پنهان شده می‌گردند و افراد آن دسته را به نام می‌خوانند. فردی که نامش برده می‌شود، وظیفه دارد با صدا پاسخ بدهد. هر کس توانست یکی از افراد پنهان شده را پیدا کند، سوار او می‌شود و تا محل شروع بازی کولی می‌گیرد.

یولداشیم باغ یئمیشی (Yoldaşım bağ yemişi)

نوعی بازی - سرگرمی در مرنند. لازمه انجام این بازی، داشتن اطلاعات کافی در زمینه شناخت میوه‌های گوناگون، طعم و اندازه و رنگ و ویژگیهای دیگر این میوه‌هاست. بازیکنان به دو گروه مساوی تقسیم می‌شوند و هر یک برای خود استادی انتخاب می‌کنند. استادان دور از چشم بازیکنان میوه‌ای را انتخاب می‌کنند. یکی از استادها ابتدا، اندازه میوه را با دست خود برای گروه مقابل مجسم می‌کند. اگر حدس آنها درست بود که نوبت به استاد دیگر می‌رسد تا میوه‌ای را مجسم کند. اگر حدس درست نبود، استاد از دسته خود می‌پرسد. در هر بار پرسش، استاد می‌گوید: «یولداشیم باغ یئمیشی» هرگاه جواب درست بدست نیامد، استاد از لحاظ رنگ و طعم بازیکنان را راهنمایی می‌کند. هر دسته‌ای که برنده شود از دسته دیگر کولی می‌گیرد.

یومورتا دو گوشدورمک (Yumurta döyüşdürmək)

۱۱۴ / بازیهای محلی آذربایجان

این بازی بیشتر در هنگام عید نوروز انجام می شود. خانواده ها در قدیم برای عیدی کودکان، تخم مرغ را با پوست پیاز و یا آب کاه رنگ می کردند و آنها را بصورت آب پز در زمان دید و بازدید عید، به بچه ها می دادند. بچه ها نیز با این تخم مرغها بازی می کردند. با تخم مرغ خود به سر تخم مرغ دیگری می زنند. تخم مرغ هر کدام که بشکند، نصیب دیگری خواهد شد. البته کسانی نیز کلک می زنند یعنی یا با مهارت تمام از چوب تخم مرغ درست می کنند و یا درون تخم مرغ را با سرنگ خالی کرده و بجای آن قیر یا گچ پر می کنند.

یوموروق (Yumurugh)

نام دیگری برای بازی هینقلیج. با این تفاوت که در بازی هینقلیج فقط بازیکنان همدیگر را می گیرند ولی در این بازی اگر نفر دونه را بگیرند، با مشت او را می زنند. (گوش روستای بیرقاوا بستان آباد).

یوواریق (Yuvarigh)

نوعی بازی - سرگرمی در توفارقان. یکی از بازیکنان کف یکی از دستهای خود را باز می کند. بازیکن دیگر با انگشت نشان، کف دست او را غلغلک می دهد و شعرهایی را می خواند. همراه با شعر، یکی یکی انگشتان دست بازیکن دیگر را می گیرد و سعی می کند، حرکاتی را که در شعر گفته شده، با دست دیگر بر روی صورت بازیکن اول نمایش بدهد (مثل بریدن، پختن، شستن، خوردن و ...)

آرالیق پیشیگی - ص.مر (Aralıgh pişiyi) اصطلاحی در بازی کودکانه. به کودکی اطلاق می شود که به هیچیک از دو طرف بازی متعلق نیست و در وسط می گردد.

آردی - ص. (Ardi) نفر دوم در بازی.

آردی دالیسی - ص. (Ardi dalisi) نفر سوم در بازی.

آشیغی آلچی دورماق - اص. (Aşığı alçı durmagh) شانس آوردن.

آشیغی توخان اوتورماق - اص. (Aşığı toxan oturmagh). شانس آوردن.

آشیق آتان - ا.فا. (Aşigh atan) قاب باز. قاب انداز.

آشیق آتماق - مص. (Aşigh atmagh) قاب بازی کردن. شرط بندی کردن.

آشیق - ا. (Aşigh) قاب. قرقره. بجول. تخته کوچک که نخ بر دور آن می بندند. پوسیده. عمیق. سوراخ. استخوان چهار گوش در سردست چهارپایان. در آذربایجان معمولاً آن را صیقل داده و با آن بازی می کنند.

آشیق اویناماق - مص. (Aşigh oynamagh) قاب بازی.

آشیق اوینایان - ا.فا. (Aşigh oynayan) قاب باز.

آغزی شیره یه باتماق - اص. (Ağzi şirəyə batmagh) خواهان تکرار یک بازی یا معامله شدن که در آن سود خوبی بدست آمده است.

آلچی - ا. (Alçı) طرف بوک بجول. روی گود بجول.

آیریلیق قویماق - مص. (Ayrılığ ghoymagh) پارتی بازی کردن.

۱۱۶ / بازیهای محلی آذربایجان

تبعیض قائل شدن.

ابه-ا. (Əbə) گودالی که در بازی کودکانه فندق و گردو را در آن می اندازند.

گودالی است که در بازی چیلینگ آغاج ، چیل را از آنجا پرتاب می کنند.

اودماق- مص. (Udmagh) بردن در بازی و مسابقه. برنده شدن.

اودوجو- ص. (Uducu) برنده.

اودوزان- ص. (Uduzan) بازنده. باخته.

اودوزدورماق- مص. سب. (Uduzdurmagh) سبب باختن کسی شدن.

اودوزماق- مص. (Uduzmagh) باختن.

اودوزمایان- ص. (Uduzmayan) بدون باخت.

اودوزولماق- مص. مف. (Uduzulmagh) باخته شدن. بازنده شدن. از دست

رفتن.

اودوش- ا. مص. (Uduş) فایده. سود. برد. جایزه.

اودوشسوز- ص. (Uduşsuz) بدون برد. بدون برد و باخت.

اودوشلو- ص. (Uduşlu) جایزه دار. فایده دار. سود آور.

اودولماق- مص. مف. (Udulmagh) باختن. بازنده شدن.

اودولما- مص. مرخ. (Udulma) باخت.

اوستا- ص. [فا. استاد] (Usta) عاقل. با درایت. ادیب.

اولاماق- مص. (Ulamagh) عوعو کردن. زوزه کشیدن. ناله و زاری کردن.

به زاری گریستن.

بوک- ا. (Bök) حالت رو افتادن پشت قاپ یا آشیق. حالت مخالف جیک.

بولوش- ا. (Bölüş) شیوه و طرز تقسیم. حصه. سهم.

بولوشدورمک- مص. (Bölüşdürmək) تقسیم کردن. بخش کردن. تکه

بازیهای محلی آذربایجان / ۱۱۷

تکه کردن. توزیع کردن. بوسیله کسی قسمت کردن.

بولوشدورمه - ا.مص. (Bölüşdürmə) تفکیک.

بولوشدوروجو - ا.ص. (Bölüşdürücü) تقسیم کننده.

بولوشدورولمک - مص.مف. (Bölüşdürülmək) تقسیم شدن. تسهیم شدن.

بولوشمز - ص. (Bölüşməz) غیر قابل تقسیم. بخش ناپذیر.

بولوشمک - مص. (Bölüşmək) تقسیم شدن. بین خود تقسیم کردن. سهم

هریک را تعیین کردن.

بولوک - ا. (Bölük) قسمت. حصه. قطعه. بخش. جزء. دسته. گروهان.

بولوک بولوک - ق. (Bölük Bölük) قطعه به قطعه. تکه تکه.

بولوم - ا. (Bölüm) یکی از قسمتها. بخش فصل. دایره، دپارتمان. قاج.

بولونمک - مص. (Bölünmək) تقسیم شدن. قسمت شدن. تفکیک شدن.

جدا شدن. قابل قسمت بودن (حساب).

پنچ - ص. (Penc) نفر اول در بازی.

پانچ - ص. (Panc) نفر اول در بازی.

پوشک - ا. (Püşk) قرعه.

پوشک آتماق - مص. (Püşk atmagh) قرعه کشیدن.

پوهله مک - مص. (pöhləmək) رو چوبی زدن. به تعداد زیر چوبی کوچک

یا پیل با چوب بزرگ زدن.

پیت - ا. (Pit) چوب بزرگ به اندازه چوبدستی.

پیتچه - ا. (Pitçə) چوب کوچکی به اندازه ۱۵ سانتی متر.

پیل - ا. (Pil) چوبی کوچک به اندازه تقریباً ۱۰ سانتی متر که در بازی پیل دسته

یا بازیهای شبیه آن کاربرد دارد. معمولاً دو سر آن را می تراشند.

۱۱۸ / بازیهای محلی آذربایجان

تاوا - ۱. (Tava) حالتی از افتادن قاب که توو خان نیز نامیده می شود.

تکر - ۱. (Təkər) چرخ. لاستیک (چرخ).

توو خان - ۱. (Tovxan) طرف جیک بچول. طرف برجسته بچول.

جیغال - ص. (Cığal) جر زن.

جیغاللیق - ۱. مص. (Cığallıq) جرزنی.

جیک - ۱. (Cik) حالت مخالف بوک.

چيله مک - مص. (Çiləmək) نگا. پوهله مک.

خیران - ۱. (Xiran) نفر آخر در بازی. (گوش مرنند)

دسته - ۱. (Dəstə) به چوبدستی گفته ی شود که در بازی پیل دسته یا نظایر آن « پیل را پرتاب می کنند.

دوگوشدورمک - (döyüşdürmək) بهم زدن. باعث درگیری دو نفر شدن.

ساققا - ۱. (Saghgha) نام قابی که سنگینتر و بزرگتر است و معمولاً با آن بازی می کنند.

شار - ۱. [روسی]. (Şar) تیلۀ فلزی.

قاریش - ۱. (Ghariş) وجب.

قورد - ۱. (Ghurd) گرگ. در بازی به کسی گفته می شود که باخته است.

قونا - ۱. (Ghona) چاله ای کوچک که در بازی پیل دسته می کنند.

قیسناقلی - ص. (Ghisnagli) در بازی قاب به بچه ای گفته می شود که در طول بازی هرگز تعداد قابهایش کم نمی شود.

قیغان - ص. (Ghiğan) نفر آخر در بازی.

قیققی - ص. (Ghighghī) نفر آخر در بازی. (گوش میانه)

قیلان - ص. (Ghilan) نفر آخر در بازی. (گوش روستاهای قره بولاق و آغجا

بازیهای محلی آذربایجان / ۱۱۹

کویول تیکمه داش)

کوفله - (Küflə) سوراخ و منفذی است که برای رد و بدل هوا به داخل تنور از آن استفاده می کنند.

گیردکان - ۱. (Girdəkan) گردو.

مازالاق - ۱. (Mazalagh) فرفره چوبی.

مازی - ۱. (Mazi) تپله.

ماللا - ۱. (Malla) سردسته. کسی که در بازیهای مختلف سرگروه است.

نومرت - ۱. (Nümrət) به درپوش فلزی نوشابه گفته می شود که آن را با گِل پر کرده و آنقدر به زمین کشیده اند که صاف و سنگین شده است.

هول - ۱. (Hol) همان مازالاق در گویش خوی.

هول ایشلتمک - اص. (Hol işlətmək) به چرخش در آوردن فرفره چوبی در زمین.

یانماق - مص. (Yanmagh) سوختن. باختن. از گردونه بازی خارج شدن.

منابع:

۱۲۰ / بازیهای محلی آذربایجان

- ۱- آتا بابالار دئییلر. (امثال و حکم و اصطلاحات در زبان ترکی آذربایجانی). ع. ظفرخواه. انتشارات یاران. تبریز. ۱۳۷۰.
- ۲- ائل بیلگی تروتمیمیز. علی ظفرخواه. انتشارات یاران. ۱۳۸۳. تبریز.
- ۳- ارک سوزلوگو. اسماعیل جعفر زاده. انتشارات احرار. تبریز. ۱۳۸۵.
- ۴- راهنمای بازیهای ایران. ثریا قزل ایاغ. با همکاری شهلا افتخاری. دفتر پژوهشهای فرهنگی. تهران. ۱۳۷۰.
- ۵- فرهنگ آذربایجانی - فارسی. بهزاد بهزادی. انتشارات فرهنگ معاصر. ۱۳۸۲. تهران.
- ۶- فولکلور خزانه سی. ع. ظفرخواه. انتشارات یاران. ۱۳۷۹. تبریز.
- ۷- قواعد زبان ترکی. میرزا بابا طیب آشتیانی. تصحیح دکتر حسین محمدزاده صدیق. نشر پینار. ۱۳۸۸. کرج.
- مجموعه بازیهای محلی رایج در تبریز. زهره وفایی. انتشارات زینب. تبریز. چاپ سوم. ۱۳۸۵.
- ۸- مجله آذری ائل دلی و ادبیاتی. شماره های مختلف.
- ۹- در تنظیم این مجموعه همچنین از نوشته ها و فرمایشات آقایان وحید کاظم زاده قاضی جهانی، مرتضی جباری شیرین بولاق، حسین یوسفیان، عزیز حاتمی سعیدآباد، مسلم دانیالی توق، رحیم اکبری عین الدین، حسین سیامی تیکمه داش، علی ستاری آمالو، محمد منیری تیکمه داش و همچنین دانش آموزانم از روستاهای مختلف بهره فراوان بردم.